

اهمیت دوات و دوات‌داری

در ایران

و نقش آن در تمدن اسلامی

از آن هنگام که بشر بر آن شد تا با مرکب، یعنی نخستین نمایشگر بی‌زبان و آرام افکار و علم و ادب، بر روی پاپیروس، برگ نخل، عاج، چوب و چرم حیوانات و غیره به نوشتن پردازد، بی‌شک برای حفظ و نگاهداری آن ظرفی ساخت که شکل و ترکیب این ظرف در میان اقوام گوناگون، گونه‌گونه بود.

نگارنده‌ها سر آن است تا در این مقاله تنها به بررسی شکل انواع دوات‌های دوره اسلامی یعنی پراهمیت‌ترین، شکوفاترین و پررونق‌ترین زمان در صنعت دوات‌سازی پردازد، و از شرح و بیان دوات‌های دوره‌ها و اقوام دیگر به خاطر تنگی میدان سخن درگذرد. چه دوره اسلامی در شرق یکی از شکوهمندترین ادوار فرهنگی و علمی در طول تاریخ ادب جهان است، و در این عصر است که با ظهور ادیبان و نویسندگان و کاتبان زبردست و رواج خوشنویسی، فن کتابت باوج شکوفائی خود تا بدانجا رسید که خط و اوضاع و مبدعان شیوه‌های مختلف خط‌نگاری چون ابن‌مقله و یاقوت و میر، بینندگان و خوانندگان و شیفتگان هنر را سخت در شگفتی و حیرت فرو برده به تحسین و ستایش واداشت.

از این رو رغبت و عنایت تمام به فن کتابت و خوشنویسی و نیز نبودن وسایل طبع موجب شد تا فن دوات‌سازی به‌مراه قلم‌پردازی رونق فراوان گیرد و دوات در دوره پربار فرهنگ اسلامی باشکال و ترکیب‌های دلپسند و مطلوب راه تاریخ کتابت و فرهنگ و ادب را پیموده بدست ما رسد.

شکل و هیئت دوات‌های دوره اسلامی

این دوات‌ها از جنس فلزات مقاوم چون مفرغ (برنز) و برنج ساخته شده‌اند و بشکل قوطی‌های کوچک در دار فلزی می‌نمایند (و به همین سبب در برخی کتب و خصوصاً "کاتالوگ

اشیاء موزه هاسهوا " بنام " جعبه جواهر " و غیره نامیده و معرفی شده‌اند) ، و معمولاً " دارای اندازه‌هایی بطول ۱۰ الی ۱۴ سانتیمتر و قطر دهانه ۶ بین ۵ الی ۷ سانتیمتر می‌باشند . جداریدنه دوات‌ها عمداً " ضخیم قالب‌گیری شده‌اند تا مرکب‌دان لوله‌ای شکل را که در داخل بدنه تعبیه شده بخوبی محافظت نماید (ش . ۷) .

معمولاً " داخل محفظه مرکب‌دان لوله شیشه‌ای بطور جداگانه قرار می‌گرفته است تا بتواند براحتی از محفظه خارج شده ، شسته و تمیز گردد . مرکب‌دانی که در اشکال (۹ - الف ، ب ، پ ، ت) نشان داده شده اجزاء متشکله یک دوات فلزی را بخوبی نمایان می‌سازد . فرم معمول و متداول دوات‌های فلزی گرد و استوانه‌ایست و بطور کلی در ساخت این دوات‌ها سه اصل کلی رعایت شده است : جنبه فایده ، اصل مذهب و معیارهای زیبایی . انتخاب و پسند این شکل خاص برای " مرکب‌دان " بچند دلیل بوده است :

از جمله آنکه نحوه کاربرد و ضرورت استفاده از هر شیء ملاک عمل سازندگان قرار می‌گرفته است و با توجه به ضرورت و احتیاج مصرف‌کنندگان شیء ، هیأتی متناسب برای آن در نظر گرفته‌اند تا پاسخگوی آن نیاز گشته منظور اصلی و هدف استفاده از آن را برآورده سازد . و در ضمن از ظاهری برارنده شائن صاحبانش برخوردار بوده باشد .

برطبق این اصول فلزکاران مسلمان ایرانی فرمی را در نظر گرفتند که هم در عمل آسان و راحت بکار رود (بطوریکه منشیان آنرا بکمر یا میج دست خود بسته یا در ساق چکمه خود براحتی حمل می‌کرده‌اند) و هم از ظاهری زیبا و دلچسب برخوردار بوده باشد . از جهت رعایت نظافت و حفظ پاکیزگی دوات از آلودگی مرکب نیز سطوح گرد و منحنی برای ساخت آنها مناسب تشخیص داده شده بود . غالب کاتبان خود بر تمیزی دوات‌ها مصرانه تاکید نموده‌اند . از جمله قلقشندی (۱) به سازندگان دوات توصیه می‌کند که : " دوات‌ها را بشکل گرد بسازند . چون دوات با بدنه منحنی آلودگی و گرد و غبار را بخود نمی‌گیرد " .

نصیحت " هندو شاه‌نخجوانی " (۲) به منشیان چنین است که : " کاتب باید دوات را با قدری مشک و گلاب مطیب‌دارد و رکوبی که قلم بدان پاک‌کند معد دارد و در صیانت آلات کتابت از قاذورات مبالغت تمام کند و دوات را برطاقچه و بالش و جای بلند ننهد که معزولی باز آرد " .

خوشبختانه اصولی را که فلزکاران در ساخت دواتی مفید و باصرفه ، محکم و بادوام و در عین حال زیبا و خوش‌منظر و شکیل و موزون در نظر گرفته بودند ، باضوابط و معیارهای اسلامی نیز مطابقت کامل داشته و حتی رعایت تشابه ظاهری شکل دوات را با مفهوم قرآنی آن می‌نموده است . چون فرم گرد و منحنی بدنه دوات با محفظه مرکب داخل آن کاملاً

شبه به خمیدگی حرف "ن" و نقطه میانی آن است و این حرف نیز در آیه شریفه "ن والقلم" به معنی دوات تفسیر شده است (توضیح بیشتر در ص ۳۴۳).

شکل سرپوش دوات‌ها

غالب دوات‌ها دارای درهای محکمی می‌باشند تا مانع از ریزش مرکب بخارج و همچنین دخول عناصر خارجی بداخل آن گردند.

برای سهولت بخشیدن به بازماندن در دوات‌ها هنگام استفاده، سرپوش را توسط دو لولا از سمت عقب به بدنه متصل ساخته‌اند و در ضمن برای ایمنی بیشتر آنرا از قسمت جلو با یک زبانه قفل‌دار به بدنه محکم نموده‌اند (ش، ۱۴ - الف، ب).

این سرپوش‌ها گذشته از فایده عملی که داشته‌اند دارای تزئینات جالب توجهی نیز می‌باشند که ترجمان مفاهیم سمبلیکی گردیده‌اند که بشیوه‌ای بس هنرمندانه از طرف سازندگان خوش ذوق و هنرمندشان تقدیم صاحبان دوات گشته است.

این سرپوش‌ها را بنا بر نوع و بر طبق زمان ساخت به سه گروه عمده و اصلی می‌توان تقسیم بندی نمود:

نوع اولیه: که از اوایل قرن پنجم هجری ابتدا در مراکز فلزکاری شمال شرقی (خراسان بزرگ) رواج یافته و عبارتند از سرپوش‌هایی با برآمدگی گنبدی شکل که این برآمدگی سمبل و نشانه گنبد آسمان بوده و بر روی آن نیز نقش یک رُزت یا شمسه (که غالباً "بین شش تا هشت پره دارد) بطور نیمه برجسته قرار گرفته است (ش ۱- ۶)، روزت‌ها یا سمبل خورشید در سنت باستانی ایران همچنان در دوره اسلامی محفوظ باقی مانده و بعنوان جلوه نور الهی در تزئین غالب ساخته‌های هنری بکار برده شده است. بر بالای این گنبد برجستگی کوچک دیگری بشکل انار قرار گرفته که در واقع عمل دستگیره را برای برداشتن درپوش انجام می‌دهد (ش، ۵). انار نیز میوه‌ای مقدس در میان ایرانیان باستان بوده و این نقش سنتی نیز در دوره اسلامی با مفهوم قرآنی، که آن نیز انار را میوه‌ای بهشتی ذکر نموده (آیه ۶۸ سوره ۵۶ الرحمن) مطابقت داشته تا دوام خود را حفظ می‌کند.

باین ترتیب ملاحظه می‌شود که به چه نحو استادان هنرمند خوش ذوق و با تجربه موفق گردیده‌است با کمک چند طرح و نقش و تلفیق آنها با یکدیگر مفاهیم کلی فلسفی و عرفانی کون و مکان را یکجا به نمایش درآورد.

نوع دوم: که متعلق به نیمه دوم قرن ششم هجری می‌باشد، سرپوش‌هایی هستند که برآمدگی روی آنها از صورت "پره‌ای" خارج گشته و تبدیل به شکل گنبد ساده با دستگیره اناری شکل در بالای آن می‌گردد (ش، ۹ - الف).

سومین و آخرین نوع از این گروه دوات‌ها آنهایی می‌باشند که با حفظ فرم اصلی بدنه، سرپوش آنها از شکل گنبدی به‌طور کلی خارج گشته و بصورت صاف و مسطح درآمده است و تنها برجستگی روی آن دستگیره‌ای حلقه‌ای شکل است (ش، ۱۴ - الف).

این تغییرات و دگرگونی‌هایی را که در فرم بدنه و سرپوش دوات‌ها پدید آمده است می‌توان با تحولاتی که همزمان در طرح گروهی از بناهای اسلامی ایران بوجود آمده است منطبق دانست.

و این مشابهت بهیچوجه اتفاقی و یا منحصر به دوات‌ها نبوده بلکه ناشی از یک موج و جریان فلسفی و ایدئولوژیکی اسلامی بوده که تحت نفوذ تعالیم و احکام قرآنی تمام رشته‌های هنری را در جهان اسلامی دربر می‌گیرد و موجب یکتوع و وحدت و همبستگی بین انواع هنرها می‌گردد و آنها را بسان رشته‌ای نامرئی به یکدیگر پیوند می‌زند.

بطور کلی حاکمیت این ضوابط و معیارهای اسلامی بر مکاتیب هنری هر عصر موجب بوجود آمدن یک نوع قالب و چهارچوب برای مکاتیب هنری ادوار مختلف اسلامی ایران گردیده، بطوریکه هنرمندان مسلمان ایرانی در عین آزادی در بیان احساس شخصی و نوآوری در سبک ارائه هنر خود معذک ملزم به رعایت و حفظ آن قالب اصلی بوده‌اند، در نتیجه یکتوع هم‌آهنگی و توازن در بین ساخته‌های هنری یک زمان بوجود می‌آمده است و به همین سبب حتی بین دواتهای فلزی و بناهای معماری یک دوره نیز می‌توان وجوه تشابه و هم‌آهنگی موزونی یافت.

همچنانکه بین شکل دواتهای فلزی ساخته شده در مراکز فلزکاری شمال شرقی ایران و طرح برجهای مقبره‌ای و یادبود در همان خطه این رابطه بطور محسوس و چشم‌گیری وجود دارد. طرح اولیه بنای این برج‌های یادبود و مقابر بزرگان دین و دولت عبارت می‌باشد از یک بدنه استوانه‌ای شکل (که به نسبت وسعت بنای مساجد دارای معیاری کوچک می‌باشند) که بر روی آن سقف گنبدی قرار گرفته (ش، ۲۵) که این طرح کاملاً "منطبق با روش و اسلوبی است که فلزکاران در ساخت دوات‌های خود بکار برده‌اند و احیاناً "چنانکه در طرح گنبد یا بدنه این بناها دگرگونی و تنوعی رخ داده مثلاً "بصورت "ترک‌دار" (ش، ۲۶، ۲۸) یا "نی‌ای" شکل (ش، ۲۷) ساخته شده است این تغییر و تحول را در روی نمونه‌های استثنائی دوات‌هایی که همزمان ساخته شده است نیز می‌توان عیناً "مشاهده نمود (ش، ۱۰، ۱۱).

نحوه کاربرد دوات‌های حلقه‌دار

موضوع دیگری که در مورد این دوات‌ها قابل ذکر می‌باشد عبارت از حلقه‌هایی است که بر روی بدنه و سرپوش برخی از این دوات‌ها وجود دارد که تعداد آنها بالغ بر سه عدد می‌شود

(ش، ۳-۵). این حلقه‌ها که در نمونه‌های اولیه دیده می‌شوند بتدریج از اواخر قرن هفتم هجری به بعد از روی بدنه حذف می‌گردند. در واقع کاربرد این حلقه‌ها بمنظور رد کردن ریسمانی بوده که این دوات‌ها را بنا بر رسم متداول آن زمان به کمر یا مچ دست کاتبان متصل می‌ساخته است. در مورد چگونگی آویختن دوات به شال کمر مینیاتوری به سبک نقاشی دوره ایلخانی از یک نسخه جامع التواریخ رشیدی (۷۰۷، ق) ارائه می‌شود (ش، ۲) که در آن کاتبی را در حین نوشتن فرمان رسمی نشان می‌دهد. این منشی بر روی چهارپایه‌ای تاشو نشسته و دوات‌دار او در حالیکه قلمدانی را با در باز بر روی دودست نگاهداشته منتظر است تا قلم‌های مورد احتیاج را به کاتب برساند. این شخص کیسه‌ای نیز به شال کمر آویخته که احتمالاً محل نگهداری درج‌ها و نامه‌ها می‌باشد.

نوع تکامل یافته دوات‌های کمربندی که از قرن هفتم هجری متداول می‌شوند، دوات‌هایی هستند که فرم بدنه آنها هلالی شکل می‌باشند (ش، ۱۲) که فرمی متناسب برای جاگیری در محل کمر بوده است.

در بین گروهی دیگر از کاتبان رسم برای این بوده است که برای سهولت در امر نگاشتن فرامین و نامه‌های فوری دوات را به مچ دست چپ خود بیاویزند. در این مورد "هلال ابن الصابی" (۳) که زمانی ریاست دیوان خلفای عباسی را عهده‌دار بوده است، در کتاب خود بنام "رسوم دارالخلافة" چنین نقل می‌کند:

"خلیفه مقتدر (۲۹۵هـ) علی بن عیسی را به پیشگاه خویش فراخواند تا نامه‌ای درباره اسقاط مال تکمله از مردم فارس بنویسد. او هم دوات ظریفی بیرون آورد و از دست چپ خویش آویخت و درج را بدست راست گرفت. مقتدر او را دید و این کار بر وی گران آمد فرمان داد تا "دوات‌دار" را احضار کردند و امر کرد تا در کنار او بایستد و دوات را نگاهدارد تا وقتی که وی از نگارش فارغ شود. و او نخستین وزیری بود که چنین بزرگداشتی شد و سپس این رسم درباره وزیران پس از وی متداول گردیده."

رسم دیگر در میان منشیان دیوانی قرون اولیه اسلامی برای این بوده که دواتی را که بر آن ریسمان بسته شده بود همراه با دیگر لوازم نوشت افزار در ساق چکمه خود که تا زانو می‌رسیده قرار دهند، تا بدین ترتیب با همراه داشتن ابزار نوشتن هر لحظه آماده کتابت نامه‌های فوری دیوانی بوده باشند.

توضیح در این باره را نیز به "الصابی" (۴) واگذار می‌کنیم که در مورد محمد بن - عبدالملک، زیات، ادیب و شاعر و وزیر خلفای عباسی چنین نقل می‌کند:

"الواثق بالله (۲۲۷-۲۳۲ هـ ق) وقتی بخلافت رسید می‌خواست نامه‌ای بنویسد. فرمان داد تا تمام نویسندگانش بجز "محمد بن زیات" که از او دلگیر بود هر کدام نسخه‌ای برای او بنویسند، هر کسی چیزی نوشت که با آنچه دلش می‌خواست موافق نبود.

در این هنگام عبدالملک، وارد شد و خلیفه در حالیکه همچنان بر نفرت خویش با او باقی بود، باو گفت: ای محمد، در فلان موضوع نامه‌ای بنویس، وی دواتی و دفتری و کاغذی از موزه خویش بیرون آورد و نامه‌ای نوشت و حق مطلب را ادا کرد و بدو عرضه داشت که مطابق دلخواه خلیفه بود. خلیفه باو گفت: "تو کسی هستی که کشور بتونیا ز منداست و او را به وزارت خویش برگزید". در جای دیگر الصابی (۵) ضمن توضیح روش کار منشیان دیوان خلافت عباسی چنین شرح می‌دهد: "هرگاه وزیری در پیشگاه خلیفه خواست بفرمان وی چیزی بنویسد عادت بر این بوده است که در موزه وزیر یا کاتب دواتی نغز باشد که به رشته‌ای بسته شده باشد همراه با درجی (۶) و مطینه‌ای (۷) و اساحی (۸) و طین باشد (۹). و هرگاه بخواهد بنویسد دوات را از دست چپ می‌آویزد و قلم را بدست راست می‌گیرد".

روش تزئین دوات‌ها

دوات‌ها از جمله اشیاء فلزی هستند که هم از لحاظ معنوی و هم مادی هر دو ارزشمند و گرانقدر بوده‌اند و فلزکاران نیز با در نظر گرفتن این موضوع سعی وافر مبذول داشته‌اند تا ارزش واقعی دوات‌ها را هم در ساختن و نیز در پرداختن هر چه نیکوتر آنها بنمایانند. لذا همچنان که اصول منطقی را در انتخاب شکل و هیأتی متناسب برای دوات‌ها بکار برده بودند و رعایت آن اصول را بر خود واجب می‌دانستند، در مورد تزئین آن نیز چنان کردند، تزئین کاران فلز روش و اسلوبی را در تزئین دوات‌ها بکار بردند که از هر حیث متناسب با فرم بدنه و نیز کاربرد شیء بوده باشد و این تزئینات را بنحوی بر روی بدنه دوات‌ها پیاده ساختند که به جلوه و جلای آن صدچندان افزوده است. این طرح‌ها و نقوش در عین زیبایی و برازندگی و موزونی کاملاً ساده و بی‌پیرایه می‌نماید. همان‌طوریکه "حسن بن وهب" (۱۰) کاتب معروف خلفای عباسی خصوصیات یک دوات کامل را توصیف نموده است: "سازندگان دوات‌ها باید بیشتر متوجه استحکام و در عین حال ظرافت ساخت بدنه باشند تا در مجلسی باندک، ضربه‌ای شکسته و خرد نگردد و باید مزین به زینت‌هایی باشد که در حد اقل سبکی بوده تا بر وزن شیء نیفزاید". تزئینات همچنان باید بطور صاف و هموار انجام گیرند و بدون هرگونه منفذ و سوراخ و دندان و کنگره‌ای بوده باشد تا بدین ترتیب از گردوغبار و آلودگی مصون و محفوظ بمانند. جنس دوات‌ها باید از مس باشد و نه از طلا و نقره، هر چند که رسم و عادت برخی از کاتبان بر این است که دواتشان مرصع به زر و سیم باشد. و ارزنده است که دوات‌ها عاری از تصویر جانداران باشد. در واقع چنانکه ملاحظه خواهد شد دوات‌های ساخته شده تجسم این مطالب می‌باشند.

بهترین روش تزئین دوات‌ها فن‌ترصیع کاری بوده که خوشبختانه این تکنیک همزمان با رونق بازار دوات‌سازی در قرن ششم هجری در مراکز فلزکاری شمال شرقی ایران به اوج شکوفایی خود رسیده بوده است. کاربرد این تکنیک با این صورت انجام می‌شده است که فلزکاران مفتول نازکی از فلزات گرانبها چون طلا و نقره و گاهی مس را در داخل شیارهایی از قبل‌کنده شده بر روی سطح بدنه شیء جاسازی می‌نمودند بطوریکه هیچگونه ناهمواری در سطح بدنه احساس نگردد. در نتیجه این اسلوب از روش‌کننده کاری و یا برجسته کاری که ایجاد ناهمواری می‌کرده برای امر تزئین دوات‌ها مناسب‌تر بوده، و در عین حال برق و جلا و رنگ درخشان مفتول‌ها ایجاد تضاد نور و تنوع رنگ می‌نموده بطوریکه شیء کاملاً "الوان بنظر می‌رسیده است."

در "تجارب السلف" (۱۱) در این مورد نقل شده است که: از جانب وزیر برای ابو محمد مهلبی کاتب معروف دربار آل بویه دواتی مرصع کاری شده برسم تحفه فرستاده می‌شود. وزیر دواتی از نقره بساخت و بفرمود تا آنرا زران‌دود کردند و نقشهای لطیف برانگیختند و از آلات کتابت هر چه نفیس و ثمین بود با او منضم کردند و چون تمام شد پیش مهلبی فرستاد. گذشته از اصول و قواعد خاصی که در نحوه ساخت و تزئین دوات‌ها بکار برده شده است، نقوش و طرحها و حتی خطوطی که بر روی دوات‌ها ترسیم شده‌اند نیز همگی مبتنی بر اصول منطقی و متناسب با معنی و کاربرد دوات‌ها انتخاب گردیده‌اند.

تزئینات روی دوات‌ها را بچند دسته کلی می‌توان تقسیم نمود، خطوط، نقوش جانداران، اشکال نباتی و هندسی:

خط بصورت کتیبه تاریخی یا عبارات قرآنی و ادعیه و گاهی ابیات شعر مناسب

با دوات و صاحبان دوات بر روی دوات‌ها تحریر شده است. (مثال در ص، ۳۶۲).

انواع شیوه‌های خط از کوفی، نسخ، ثلث، نستعلیق بصورت‌های گوناگون تزئینی

بر روی دوات‌ها دیده می‌شود.

تصویر انسانها غالباً در صحنه‌های رسمی تشریفاتی یا در حال شکار نشان داده

شده است و گاهی نقش انسانها و حیوانات بصورت "نجومی" خود بعنوان سمبل و نمایندگان

برجهای فلکی "بعنوان یمین و برکت ظاهر شده‌اند که جزء مطلوبترین و رایجترین نقوش

تزئینی در اغلب نمونه‌ها بکار رفته‌اند، (ش ۹ - الف، ۱۹).

انواع نقوش نباتی و هندسی نیز هر یک با مفاهیم خاص خود فضای خالی بین نقوش

اصلی را پر کرده‌اند. رویهمرفته هنر اسلامی هنری سمبلیک و رمزآلود است و بهمین سبب

ناآشنایان و بیگانگان بمفاهیم فلسفی اسلام حاکم بر این هنرها قادر بفهم و درک و شناخت

واقعی این هنر نگشته و بغلط هنر اسلامی را بعنوان یک هنر تزئینی توصیف کرده‌اند. در حالیکه

نقوش و اشکال در این هنرها هر چند در صورت ظاهر زیبا و تزئینی می‌نمایند، ولی در واقع

مبین یک‌ایده و یا منظور خاص می‌باشند که تنها یک چشم آشنا قادر بفهم و درک آن است .
در مورد این دوات‌ها نیز فلزکاران موفق بانجام رسالت خود گردیده و مفاهیم کلی
فلسفه اسلامی را در قالبی بس کوچک ولی باشکوه مندی هرچه تمامتر متجلی ساخته‌اند .
الف - دوات در قران و روایات و اهمیت آن از لحاظ اسلامی :

از ویژگیهای اصلی و مهم تمدن اسلامی آنست که روح قران و مفاهیم عالیة اسلامی
در همه مظاهر هنر اسلامی نفوذ کرده و تعمیم یافته است و موجب گردیده تا هنرممالک اسلامی
از سابقه هنری آن سرزمین‌ها متفاوت و متمایز گشته و دارای حیاتی تازه و جلوه و جلائی خاص گردد .
از جمله موارد مهم و جالب توجه آن نفوذ فلسفه و ایدئولوژی اسلامی بر روی هنر
فلزکاری دوره اسلامی است که اهمیت ویژه‌ای دارد و شرح آن در این مجمل نمی‌گنجد . اما
در مورد شیء مورد بحث یعنی "دوات" در اینجا توضیح مختصری داده می‌شود .

یکی از سوره‌های قران مجید سوره "القلم" است که چنین آغاز می‌شود :
" ن والقلم و ما یسطرون " (۱۲) "قسم به دوات و قلم و به آنچه آسمانیان و زمینیان
نویسند" (۱۳) . مفسران در مورد این آیه تفسیرهای گوناگون کرده‌اند . بدیهی است درباره
قلم ابهامی وجود ندارد و مفسران آن را اولین شیء دانسته‌اند که خداوند متعال خلق فرموده
است ولی بحث برانگیز در اینجا تفسیر "ن" در این آیه مبارکه می‌باشد .

گروهی از اهل تفسیر گفته‌اند "ن" همان ماهی است که زمین بر آن قرار دارد . (۱۴)

ابن عباس گفته است : "نخستین شیء که خداوند آفرید "قلم" بود سپس "ن"
را آفرید و زمین را بر پشت آن بگسترده . (۱۵)

عده‌ای دیگر و از جمله حسن ، قتاده و ضحاک گفته‌اند که : "ن" "دوات است و
آن با قلم مناسب ترمی باشد" . (۱۶) و گفته‌اند که دریا نوردان از نوعی ماهی ماده‌ای سیاه بدست
می‌آورند که مانند مواد مرکب دوات و گاه سیاه تر از آنست و با آن می‌نویسند . پس "ن" آن ماهی
است که عبارت از "دوات" باشد" . (۱۷)

در اینجا لازم است توضیح مختصری راجع به "ماهی مرکب" (سی‌پیا Sepia) داده
شود . این ماهی از خانواده اختاپوس‌ها می‌باشد و تقریباً "بشکل سفره ماهی است . در داخل شکم
این ماهی موازی با سمت روده‌ها کیسه محتوی غده‌های قرار دارد که ماده مترشحه آن مایعی برنگ
قهوه‌ای سیر متمایل به مشکی است . این ماده تیره رنگ را جانور به هنگام بروز خطر و حمله دشمن از
از خود ترشح می‌کنند که از لوله‌ای که انتهای آن در زیر گلوی ماهی واقع شده بخارج منتشر
می‌شود و جانور خود را در سیاهی و تاریکی آن از دید دشمن پنهان نگاه می‌دارد . و این ماده سیاه
همان است که در قدیم الایام بعنوان مرکب مورد استفاده قرار می‌گرفته و امروزه نیز بنا به خاصیت
قبض‌کننده‌ای که دارد در صنعت مرکب سازی بکار می‌رود تا مانع از نشرو نشست مرکب بر روی کاغذ گردد .
جالب اینجاست که تولید "عنبر" (ماده‌ای چرب و خوشبو برنگ خاکستری تیره نزدیک
به مشکی) در داخل دستگاه گوارش "ماهی عنبر" نیز بواسطه ترشحات سیاه رنگ "ماهی مرکب"
یا سی‌پیا می‌باشد که مورد تغذیه "ماهی عنبر" است .

ماهی عنبر را نیز مانند "ماهی مرکب" در دریای شمال و اطراف ژاپن و گاهی در دریا‌های مجاور جاوه و سوماترا شکار می‌کنند، و پس از شکافتن شکمش از داخل معده و روده‌اش این ماده^۴ خوشبو را استخراج می‌کنند. و هر قدر "ماهی مرکب" بیشتری مورد تغذیه^۵ این حیوان واقع شده باشد مقدار عنبر موجود در داخل دستگاه گوارش "ماهی عنبر" بیشتر خواهد بود.

از پیغمبر اکرم (ص) نیز مروی است که فرمود: "اولین چیزی که خدای متعال آفرید قلم بود و سپس "ن" را آفرید و آن "دوات" است و سپس فرمود به او بنویس آنچه را که خواهد بود تا روز رستاخیز... (۱۸) ."

قلقشندی نوشته است که ابوهریره از پیغمبر نقل کرده است که فرمود: "آفرید خدا نون را و آن دوات است". (۱۹) همچنین در "صبح الاعشی" آمده است که از ابن عباس نقل شده است "وقتی که آفرید خدا "نون" را و آن دوات است و آفرید قلم را پس فرمود بنویس، گفت: چه نویسم؟ فرمود: بنویس آنچه را که خواهد بود تا روز قیامت" (۲۰). و قلقشندی توضیح می‌دهد که این موضوع دلیل است بر اینکه مراد به نون در آیه^۶ شریفه "دوات" است و دوات مناسب است با قلم و نوشتن.

بهر حال برداشتی که فلزکاران هنرمند و چیره دست مسلمان ایرانی از مفهوم کلی این پیام الهی داشته‌اند آنرا در امر ساختن و پرداختن و تزئین دواتهای فلزی به اشکال نوین و شیوه‌های ابتکاری و بدیع رهنمون و ملهم بوده و ذهن و اندیشه^۷ آنانرا متوجه^۸ این نکته^۹ مهم ساخته است که بطور کلی خدای متعال "دوات" را شیء محترم دانسته و آنرا آفریده است تا آلت و ابزاری باشد که ذهنیات بشری را از صورت "ایده" و فکر و خیال خارج گردانیده بآن شکل ببخشد. اعم از اینکه این ایده‌ها و اندیشه‌ها و خیالها محتوای دینی و مذهبی داشته باشند یا محتوای علمی و هنری و غیره و باین ترتیب هر مساله‌ای که بذهن افراد بشر می‌آید و از جمله مسائل روحانی، عرفانی یا فرضیه‌ها و تئوریهای علمی و یا عقاید فلسفی و ایده‌های هنری و همچنین آنچه بالاتر و والاتر از همه است یعنی وحی الهی که به پیامبر خدا رسیده همه و همه نیاز به وسیله و ابزاری برای تجسم و عینیت یافتن داشته و دارند و آن ابزار و وسیله چیزی نیست مگر "قلم" که وسیله^{۱۰} نوشتن است و "دوات" که بوسیله آن به ذهنیات بشر روح، حرکت و تجسم بخشیده می‌شود. بقول قلقشندی (۲۱): "پس از قلم بهترین وسیله و آلت کتابت "دوات" است چون وسیله‌ای است که قران و حدیث و علم و ادب را با آن نویسند. پس پاکیزه نگاهدار دوات را و کوشش کن در محافظت آن. چون دوات‌ها خزینه و منبع ادب می‌باشند".

کمال الدین اسماعیل اصفهانی را در وصف "دوات" ابیاتی است که در ضمن مدحیه‌ای

در مدح وزیر معروف سلجوقیان "نظام الدین محمد" سروده، آمده است:

چیست آن دریا که دارد در دل کشتی مقام
 ماهیش برخشک لیکن جزر و مدش بردوام
 قعر این دریا گل تیرهست و آب او سیاه
 و اندرو هم بیم جان خلق و هم امید کام
 عقدهای گوهر آرد زوبرون غواص او
 چون صدف کوقطره‌یی یابد زابر قیرفام
 او ترش روپست و زوشاداب شاخ‌نیشکر
 او سیه‌کاسه‌ست و از وی خلق را وجه‌طعام
 زلف‌خاتون‌ظفر را اشک، چشم او خضاب
 رخنه‌های ملک را آب‌دهان او لحام
 سیم او نقدست لیکن نقد او شب درمیان
 حلیتش نورست لیکن حشو نور او ظلام
 جرم کیوانست و او را بامه‌نو اتصال
 آب‌کیوانست و او را در دل ظلمت مقام
 آفتابست او ولیکن بعضی از وی منکسف
 روزگارست او مرکب صورتش از صبح و شام
 پاره‌یی از ریشش فرعونست در دست کلیم
 منفذی از دود دوزخ‌کرده بردار السلام
 یا بموی‌انباشته چاه زرخدان بتیان
 یا چومشکین پرچمی درطاسکی از سیم خام
 یا دل یار منست اندر بر سیمین او
 یا گشاده‌چشمه، قیر از دل سنگ رخام
 دیده، ملکست مانا در بیاض او سواد
 مشرب‌عذبست و بر وی از امانی از دحام
 نازنینی خو فرا کرده باکسون و قصب
 برکنار خواجه‌گان پرورده با صدا احترام
 شد دلش مستغرق سودای زلف و خال و خط
 زان دژم روی و سرافکنده‌ست چون اهل غرام
 گرزنی در ناخنش نی ورتو برداری سرش
 با کمال دل‌سیاهی دور باشد ز انتقام

هرچه زشتی و سیاهکاری فروخورده زحلم
 پس نکویسی‌ها عوض داده برآیین کرام
 معجزات نفثهٔ او چون قلم را جان دهد
 عقل گوید آن زمان سبحان من یحیی العظام
 از سیاهی صورت فقرست گویی وانگهی
 مستفید از رشح طبعش هم خواص و هم عوام
 اندرون او سیه چالست و بیرون تخت ملک
 نام او نونست و او خود کرده از صدگونه لام
 نقره خنگی گشته آبستن به شدیزی آب
 هم برو دستارچه هم طوق زرین هم ستام
 بارگیران سخن را زین شب آخر آبخور
 آهوان معنوی را مشک نافش پای دام
 ظاهر او تخت‌بار پادشاه نیم‌روز
 اندرون سینه‌اش مطمورهٔ زنگی شام
 عنبرین زلفیست سیمین تن که هر ساعت رسند
 عاشقان زرد بیمار از دهان او بکام
 از سويدای دل او زینده جان ملک و دین
 ور سواد چشم او روشن معاش خاص و عام
 چون سیه دارد سرپستان خورد زویچه شیر
 چون کند پستان سپید آنگه بود وقت فطام
 وین عجب‌کان طفل کز وی شیر خورد اندر زمان
 هم در آرد خط مشکین هم در آید در کلام
 تا بود در دست ترکان بسته دارد لب بمهر
 چون نشیند با وزیران دورگرداند لثام
 قصهٔ حال دل خود بر سر نی می‌کند
 تا دهد بادست دستور جهان خواجه نظام

ب - رابطه دوات با هنر خوشنویسی

یکی از اصیل‌ترین هنرهای ایرانی که از جمله شامخ‌ترین و برجسته‌ترین جلوه‌های تمدن اسلامی محسوب می‌گردد هنر خوشنویسی است که با پیشرفت و تحول سریع خود موجب گردیده تا هنر برجسته کتاب‌سازی " نیز بوجود آید .

بطور کلی خوشنویسی یعنی نمایاندن کلمات به زیباترین و شایسته‌ترین وجه ، و چون از نظر اسلامی کلام دارای اعتبار و اهمیت خاصی بوده بنابراین کلام قرآنی که تجسم آیات الهی می‌باشد برتر از همه کلامها و معتبرترین آنها بشمار آمده است .

بنابراین اعتقاد خوشنویسان و محرران ایرانی در صد در صد برآمده اند تا نهایت هنرمندی و مهارت خود را در نگاشتن هر چه عالی تر قرآن‌ها بکار برند و نتیجه آن شده است که قرآن‌ها بصورت نفیس‌ترین و عالی‌ترین و شکوهمندترین پدیده هنری و شاهکار خلاقه خوشنویسان ایرانی کتابت شوند .

خوشنویسان ایرانی با بروز هنرمندی و خلاقیت عجیب خود در این رشته موجب شدند تا حد زیادی توجه از هنرنقاشی برگرفته و معطوف به خط‌نویسی شود .

در مدت کوتاهی استادان این فن در ابداع اقلام جدید و روشهای بدیع خط‌نگاری بموفقیت‌های چشم‌گیری نائل آمدند و هر کدام با قلم و شیوه‌ای نوین خط‌نگاشتند .

شاگردان این فن روز بروز بیشتر شدند و توجه هنردوستان و هنرشناسان به این هنر بیشتر جلب گردید . همه این عوامل باعث شد تا بازار خوشنویسان رونق فراوان یابد و هریک از بزرگان مملکتی بنوعی در صدد جلب حمایت و تشویق و ترغیب آنان برآیند . چندی نگذشت که این هنر نه تنها در مورد کتابت قرآن‌ها و کتب مربوط به دین بلکه در مورد سایر کتب و بالاخص کتب تاریخی و ادبی و حتی علمی نیز تعمیم یافت و اغلب کتب بروش خوشنویسی کتابت شد .

پرواضح است که در چنین جوی که از قرن چهارم هجری آغاز می‌گردد و رواج و ترقی روز افزون برای خوشنویسان فراهم است ، انواع وسایل و لوازم التحریر بخصوص قلم و دوات و قلمدان و غیره مورد مصرف بیشتری می‌یابد و عرضه و تقاضای آن روز بروز بالاتر می‌رود و در نتیجه فلزکاران بر توسعه صنعت دوات‌سازی افزوده تولید آنرا بیشتر ساخته‌اند و چه خوب گفته است قلقشندی که : " کاتب بدون دوات مانند جنگجوی بی سلاح است " .

ج - نقش دوات از لحاظ تاریخی

در میان انواع گوناگون اشیاء فلزی اسلامی که تا کنون بدست ما رسیده است بدون تردید پس از "سکه"، دوات‌ها می‌تواند جزء مدارک معتبر و قابل استفاده در بررسی‌های تاریخی قرار گیرد، زیرا غالب این نمونه‌ها (که خوشبختانه بنا بر استحکام جنس فلز مقاوم بوده و بخوبی محفوظ مانده‌اند) بجز داشتن کتیبه‌ها و سنوالت تاریخی معتبر و صحیح دارای نقوش و تصاویری بس دقیق می‌باشند که بسان شاهدی زنده و گویا بسیاری از نکات تاریخی عصر خود را روشن می‌سازند و حتی در مواردی خاص بکمک متون تاریخی آمده مکمل آن می‌گردند. از جمله می‌توان اطلاعات ذی‌قیمتی دربارهٔ اوضاع سازمان‌های اداری و تشکیلات و تقسیمات دیوانی و چگونگی تقسیم مشاغل و وظایف افراد دولتی و نحوهٔ حکومت در میان دول اسلامی را از خلال نوشته‌های کتیبه‌های روی آنها کسب نمود.

بعبارت دیگر دوات‌ها را می‌توانیم چون راهنمایی برای رسوم درباری و دیوانی دولت‌های اسلامی بدانیم و جزئیات تشکیلات سیاسی و اداری را از روی آنها استنباط کنیم. اهمیت نقش دوات در این خصوص از آن جهت است که در میان انواع مختلف ابزار تحریر در دورهٔ اسلامی از اعتبار ویژه‌ای برخوردار گشته، بطوریکه نه تنها نمایندهٔ علم و فضل و هنر صاحب دوات بوده، بلکه "دوات‌داری" بعنوان یک منصب و مقام والای دولتی درآمده است، و "دوات‌دار" بکسی اطلاق گردیده که مقامش در رده و ردیف برجسته‌ترین و عالی‌مرتب‌ترین افراد جامعه خود قرار داشته است (توضیح بیشتر در ص ۳۵۴).

از زمان روی کار آمدن سامانیان در قرن سوم هجری و سپس در دورهٔ سلجوقیان در قرن پنجم، لقب‌گذاری و داشتن علائم و نشانه‌های رسمی و تشریفاتی مبین و تعیین‌کنندهٔ مشاغل و حرفه‌ها می‌گردد و همچنان جزء خصیصه‌های بارز حکومت‌های اسلامی باقی می‌ماند. چنانکه خواجه نظام الملک (۲۲) در سیاست‌نامه دربارهٔ "اهمیت القاب در دوره سلاجقه" چنین اظهار می‌دارد:

"دیگر القاب زیاد شده است و هرچه بسیار شده است دیگر قدر و خطرش نماند. همیشه پادشاهان در لقب تنگ مخاطب بوده‌اند که از ناموس‌های مملکت یکی نگاهداشتن القاب و مراتب و اندازه هر کس است."

در میان خواص جامعه و در بین طبقات ممتاز و برجسته نیز "دوات" و "دوات‌با خامه‌دان" (قلمدان) بعنوان شیء رسمی و تشریفاتی پذیرفته شده بود. در این مورد "ابن الاثیر" (۲۳) که خود در دیوان سلاجقه خدمت کرده است در کتاب خود "الکامل فی التاریخ" چنین نقل می‌کند:

" در دوره سامانیان و سپس سلجوقیان "دوات" به مثابه علامت و نشانه^۶ وزیران کاتب^۷ و منشیان حضور^۸ در دربارها و دواوین دولتی بوده است^۹ و همچنین حائزین مقامات دیوان انشا به القابی چون "اهل قلم" "ارباب قلم" و "نایب قلم" و "صاحب قلم" ملقب بوده اند .
این موضوع بستگی تام به برقراری روش های نوین و سازمان دهی معقول تشکیلات دیوانی و وزارتی داشته است که در داخل ایران موجب تحولی عظیم در تمام شئون و ارکان دولتی گردیده و سپس روش حکومتی سایر دول اسلامی را نیز متحول ساخته است .

از جمله دیوان " انشاء و رسائل " است که از ارکان مهم و حساس دولتهای آل بویه ، سامانیان ، غزنویان و سپس سلاجقه و مغولان بشمار می رفته و همچنان در دوران های بعدی باقی مانده است . و شافلین این دیوان ها جزء صاحبان مناصب عالییه محسوب می شده اند . ریاست این دیوان با " رئیس " یا " وزیر " یا " صاحب دیوان رسایل " بوده که غالباً " نیابت صدارت " نیز بعهده^{۱۰} او بوده است ، و در دوره ایلخانان " رئیس الکتاب " نامیده شده است . زبردست رئیس دیوان رسایل عده^{۱۱} زیادی محرر و " منشی " و " کاتب رسایل " مشغول بکار بوده اند که اینان در زمان ایلخانان بیتکچی (منشی) و آلچی (مهربار دوات خانه) خوانده می شدند . آنان همگی طرف اعتماد و خازن اسرار دولت بودند و به همین جهت غالباً آنها را برسالت و سفارت و انجام ماموریت های سیاسی می فرستادند . (۲۴)

قسمتی از متن یکی از فرمان های دولتی سلجوقی را در باب تعیین رئیس " دیوان انشاء و طغرا " که وظایف عمده^{۱۲} شغل منشیان و همچنین اهمیت آن را روشن می کند در اینجا ذکر می نمایم : (۲۵)
" نیابت دیوان وزارت بوی تفویض فرموده شد و زمام امر و نهی و حل و عقد مهمات ملک و مصالح دین و دولت بدست کفایت و فضل و فطنت او داده آمد تا براءى صائب ترتیب کلیات مصالح ممالک حرسها الله بواجبی پیش گیرد و وجوه ارزاق و مواجب حشم و خدم معین و مرتب گرداند و اسباب ترفیه خلائق جهان که ودایع آفریدگارند عز و علا مهیا کند و هر رسم محدث و قاعده^{۱۳} ناپسندیده که مسلمانان را از آن رنجی است و شایبه^{۱۴} ظلمی و حیفی دارد براندازد و کارهای ملک عالم را بتازگی قلم طراوتی دهد و ترتیبی کند که از آن ذکر جمیل و ثواب جزیل میسر و مدخر گردد و آن قرار و آثار آن موءید و مخلد ماند و همچنین ترتیب دیوان انشاء که نازک تر شغلی در دیوان آنست بواجبی پیش گیرد و هر چه طبقات کتاب که امنای اسرار و ثقات خفایای احوال ملک اند تحریر کنند تا نق و تاء^{۱۵} مل نماید و بردقایق الفاظ و معانی ایشان مطلع باشد و حال عقل و فضل هر یک از مکتوب و نتایسج و نسیاج قریحت و علم او بداند که : " کتاب الاجل عنوان عقله و فضله " تا هر مثال و خطاب که نافذ و صادر گردد و به ادانی و اقاصی جهان رسد متضمن مصالح و فواید جهان و جهانیان

باشد و علی تعاقب الایام و ترادف الشهور والاعوام مسطور و مذکور می ماند و صدور دفاتر و وجوه صحف بدان موشح و مزین همی گردد .

..... و چون این دو منصب رفیع را بمکان او مشرف گردانیدیم در جملگی مصالح مملکت و دولت رجوع با او کنند و هر چه او بکمال دها و ذکاء و فطنت ایراد و اصدار کند معترض نشمرند و از آن عدول ننمایند و طریق مساعدت و متابعت سپرند و معروفان و مشهوران اطراف و اکناف و اصناف رعایای بلاد و نواحی برا " و بحرا " سهلا " و جبلا " احوال خویش بدیوان آنها می کنند و اکفی الکفاة را باز می نمایند و سفارت و اهتمام او از مجلسی بحصول مطالب و مقاصد محفوظ و محدود می گیرد .

در کتاب " دستورالکاتب " (۲۶) ، (۷۶۷ هـ . ق) از محمد بن هندو شاه معروف به " شمس منشی نخجوانی " که خود عهده دارد دیوان انشاء در دوره ابو سعید ایلخانی بوده است در اهمیت مقام کاتب چنین نقل شده است :

" و گویند وقتی که ملوک عجم در دیوان (انشاء) آمدندی ، کتاب دیوان از بهر ایشان قیام نکردندی و در آنج بدان مشغول بودندی یک لمحہ اہمال نمودندی (ش - ۲۲) و کتاب بر اسباب رهاوارنشستندی ، چون واجبست عقول ایشان را براحت داشتن چه ایشان مشغولند بساختن کارهای بزرگ " .

خلفای عباسی این منصب مهم دیوانی را نیز چون سایر شئون و تشریفات مرسوم در ایران در دربار خود اقتباس کردند . چنانکه به اهمیت و وظیفہ خطیر منشیان کاملا " واقف گشته حتی کاتبین ایرانی را با استخدام خود در آوردند و اینان از اعتبار ویژه ای برخوردار گشتند . " هندو شاه بن صاحبی نخجوانی " که خود حائز مقام ریاست دیوان انشاء در دوره ایلخانان بوده در کتاب خود " تجارب السلف " (۲۷) (۷۲۴ هـ . ق) چنین نقل می کند :

" عبید اللہ بن یحیی بن خاقان از منشیان متوکل خلیفہ عباسی بود . او خط بغایت خوب نوشتی و حساب و استیفا بغایت نیکو دانستی . گویند ملک مصر جهت او دویست هزار دینار و سی سبد جامہ های مصری فرستاد تا به دربار او رود و او قبول نمود " .

در مصر و سوریه نیز در دوران مملوکان در قرن هفتم و هشتم این منصب که بنام " الدواداریہ " موسوم گشته بود جزو برجسته ترین و شامخ ترین مقامات مملکتی محسوب می گردید . یکی از ارزشمندترین و در عین حال جالب ترین نمونه ها که از هنر نظر می تواند بعنوان معتبرترین گواه و سند در مورد نقش دوات و صاحبان دوات در دستگاہهای دولتی ایران ارائه شود دوات مفرغی (۲۸) مزین به نقره کاری است که در دوره سلجوقیان (قرن ششم هجری) در مراکز فلزکاری شمال شرقی ایران ساخته شده و اکنون در مجموعه کوفرلر در شهر لوسرن سویس (۲۹) نگاهداری می شود (شکل ۱ - الف ، ب ، پ ، ت ، ث) .

این دوات از دو جهت قابل بررسی است : یکی از نظر نقوش و تصاویر و دیگر از جهت محتوای کتیبه تاریخی آن :

۱- ارزش واقعی نقوش بر روی این دوات زمانی معلوم و روشن می‌گردد که بیاد آوریم پس از هجوم مغولان (در قرن هفتم) و از میان رفتن غالب کتب مصور بعلت سوختن کتابخانه‌ها ، آثار نقاشی ایران عصر سلجوقی (بغیر از اندک نمونه‌های باقیمانده) متأسفانه کلاً " از بین رفته‌است . تنها در یکی از نقاشی‌های کتاب " التریاق " که از قرن ششم هجری است نمونه‌ای از دواتی بهمین شکل دیده می‌شود (ش - ۳ ، ۴) .

بطور کلی تنها وسیله‌ای که ما را به مکتب نقاشی رایج ایران در عهد سلاجقه^۶ بزرگ آشنایی سازد و این کمبود را جبران می‌کند تصاویری است که بر روی نمونه‌های سفالین و فلزین آن دوره نقش گردیده و خوشبختانه از گزند و بلایای زمانه تا با امروز در امان مانده‌است . این دوات نمونه^۶ منحصر بفردی است که یک کاتب ایرانی قرن ششم را در حین عمل کتابت با انواع لوازم التحریر که مورد احتیاج یک کاتب در این زمان بوده‌است نشان می‌دهد . این تصاویر که در داخل سه محرابی بطور جداگانه نقش گردیده کاتب را (که احتمالاً " خود صاحب دوات است که در دوره^۶ سلاجقه منصب دیوان اشراف را داشته‌است) در سه حالت مختلف نشان می‌دهد : یکی در حین کتابت که قلم و کاغذی به دست گرفته (ش - ۱ - ب) دیگری در حالیکه قلم تراش و محرآکی به دست دارد (ش - ۱ - پ) و حالت سوم در حین نمایش دواتی که بر سر دست گرفته‌است (ش - ۱ - ت) . جالب اینجاست که نقش دوات کاملاً " منطبق با فرم خود دوات می‌باشد . " شمس منشی نخجوانی " (۳۵) در " دستور الکاتب " وسایل و لوازم تحریر مورد نیاز منشیان را چنین برمی‌شمارد :

" در آداب کتاب و آلات ایشان : معنی آلت وسیله رسیدن فعل فاعل است به مفعول و کاتب را در کتابت با آلتی چند چون قلم ، قلم تراش ، دوات ، محرآک ، حبر ، و کاغذ احتیاج است و باید که تمام معد باشد . "

۲- مضمون کتیبه^۶ این دوات که بخط نسخ ساده به شیوه^۶ معمول و متداول قرن ششم هجری نگاشته شده و دور تا دور سطح افقی سرپوش مرکب‌دان را بصورت حاشیه‌ای فرا گرفته (ش - ۱ - ث) چنین خوانده می‌شود :

" الشیخ العمید معتمد الدوله امین الملک بدر الحضر تین علی بن محمد بن علی المشرف القاب و عنوان صاحب دوات ، یعنی " علی بن محمد بن علی " ، می‌رساند که او عهده دار ریاست دیوان اشراف در دوره^۶ سلاجقه بوده‌است . (هر چند که تاکنون نگارنده نام او را در هیچ یک از منابع تاریخی نیافته‌ام) .

در مورد " دیوان اشراف " و وظایف مشرف در تاریخ بیهقی و دمیة القصر ، تالیف باخرزی و دستور الکاتب از هندو شاه نخجوانی ، توضیحاتی داده شده‌است ولی معتبرترین منبع تاریخی " سیاست نامه " (۴۸۵ هـ . ق) خواجه نظام الملک است که خود وزیر سلاجقه^۶ بزرگ ، بوده و در این کتاب وظایف مشرفان را چنین شرح می‌دهد : (۳۱)

"کسی را که بروی اعتمادی تام است او را اشراف فرمایند تا آنچ بدرگاه او می داند و بوقتی که خواهد و حاجت افتد می نماید و این کس باید که از دست خویش بهر شهر نایی فرستد" و رویهمرفته آنچه که مسلم است ، دیوان اشراف در حقیقت در اداره اموال دیوانی و ضبط محاسبات و جمع و دخل و خرج ، مکمل دیوان استیفا بوده و "مشرف کل" بهر ولایت از جانب دیوان خود یک نفر "نایب مشرف" می فرستاده و از تمام اموری که در دربار سلاطین جریان داشته و قوف کامل داشته و مخیر بوده تا در هنگام لزوم گزارش جریانات و رخ داده ها را اطلاع دهد . و در ضمن ، بر جریان امور سایر دیوان ها نیز نظارت داشته است .

متن فرمان دولتی عهد سلاجقه در مورد تعیین "خواجه عمیدالدین" به شغل نیابت اشراف "جرجان" خصوصیات یک مشرف را بخوبی روشن می سازد : (۳۲)

"خواجه عمیدالدین که در امانت گذاری و معرفت رسوم معاملات و دقایق محاسبات از اقران و اکفا ممیزست و در هنرمندی و خویشن داری از "اصحاب قلم" بماندگان متفرد به نیابت دیوان اشراف در معاملات جرجان . . . فرموده شد ."

بنا بر این ملاحظه می شود که این دوات مغرغی در مجموعه کوفلر از هر جهت نمونه ایست بی بدل از عهد سلجوقیان ایران . نمونه دیگر که آن نیز بسهم خود سند تاریخی معتبری بشمار می رود دوات برنجی مرصع به طلا و نقره است (ش ۱۴) که بنا بر کتیبه روی حاشیه درپوش آن متعلق به "بدرالدین لؤلؤ" (۶۵۷ - ۶۳۱ هـ . ق) از اتابکان موصل می باشد . اسلوب ساخت و همچنین شیوه کتیبه نویسی روی این دوات همگی مبین آنست که

نه تنها مکتب هنری زمان سلاجقه بزرگ ، بلکه آداب و رسوم و تشکیلات درباری و دیوانی آن زمان نیز بهمان روال سابق توسط اتابکان ادامه یافته و دوات نیز همچنان بعنوان شیء برجسته باقی مانده است بطور کلی آنچه که اتابکان را بیش از اهمیت سیاسی آنان در تاریخ برجسته و ممتاز نموده است ،

اهمیتی است که این دوره از جهت هنری کسب نموده است . چون گذشته از بزرگان ادب که در آثار ادبی خود مدح آنان را گفته اند ، فلزکاران نیز با ذکر نام اتابکان بر روی آثار فلزین خود که متجاوز از بیست شیء مختلف می باشد ، آنان را که حامی و مشوق فلزکاری و فلزکاران بوده اند جاودان ساخته اند .

بطور کلی دوات بعنوان نشانه رسمی مقام و موقعیت اجتماعی افراد در جامعه اسلامی محسوب می شده و این رسم تا دوره قاجاریه معمول بوده است ، بطوریکه به هنگام ارجاع شغل وزارت همرا خلعت به وزیر دوات و قلمدان تقدیم می شده و حتی اصطلاح "دوات بخشیدن" و "دوات گرفتن" بعنوان کنایه از عزل و نصب وزیر بکار می رفته است .

چنانکه در تجارب السلف هند و شاه نخبوانی (۳۳) آورده شده که :

"خلیفه عباسی المستضی (۵۶۶ هـ) از کاتب وزیر خود "عضدالدین ابن رئیس الروء" سا

رنجیده خاطر گشت و خادمی را بدیوان او فرستاد تا عزل او را از مقام وزارت اعلان کند

و او بوزیر گفت: امیرالمؤمنین را بتو هیچ حاجت نیست و "دوات او برهم نهاد" و ترکان و لشکریان سرای او را غارت کردند. . . . دیگر بار خلیفه المستضیء با او بر سر رضا آمد و وزارت به او داد و حکم او را در ممالک مطلق گرداند.

در جای دیگر از همین کتاب نقل شده که (۳۴): "گویند ملکشاه از خواجه نظام الملک طوسی برنجید و پیغام پیش خواجه فرستاد: اگر تابع منی چرا حد خویش نگاه نمی داری و فرزندان و اتباع خویش را تاء دیب نمی کنی که بر جهان مسلط شده اند تا حدی که حرمت بندگان نگاه نمی دارند. اگر می خواهی بفرمایم که "دوات از پیش تو بگیرند" خواجه در خشم شد و در جواب با سلطان چنین گفت. . . . دولت آن "تاج" برای "دوات" بسته است هرگاه این دوات برداری آن تاج بردارند."

گذشته از جنبه معنوی حتی شکل ظاهری دوات نیز ملاک عمل بوده چنانکه درجه و حتی نوع مقام و مسئولیت و نسبت اهمیت افراد همگی از روی جنس و اندازه و حتی شکل دواتها و قلمدانها سنجیده و مشخص می شده است.

بعبارت دیگر شکل ظاهری دوات مبین و روشنگر موقعیت اجتماعی صاحب دوات بوده است. این رسم کلی نه تنها در ایران بلکه در میان سایر دول اسلامی نیز معمول و رایج بوده است. در مورد رواج این رسم در بین مملوکان در قرن هفتم و هشتم، قلقشندی (۳۵) توضیح می دهد که: "دوات مفرغی" اختصاص به رؤساء و وزراء و امراء داشته و منشیان دیوانی و محرران، دواتی از نوع "برنج" داشته اند.

"مستوفیان اموال و محاسبین دارائی دوات نسبتاً بزرگی بشکل مربع مستطیل داشته اند تا بتوانند درون آن اوراق حسابهای دیوانی را نگاهداری کنند.

"دوات قاضیان نیز به همین شکل و اندازه بوده چون آنان نیز احکام دیوان عدالت را می بایست حمل کنند، منتهی جنس دوات قاضیان چوبی و از جنس چوبهای گرانبها مانند آبنوس و صندل بوده است."

"منشیان دیوانی دواتی از نوع مستطیل که دوسر آن مدور بوده بکار می برده اند چونکه مناسب برای نگاهداری کاغذها و طومارهای بلند بوده است."

در اینجا لازم است توضیحی راجع به کلمه "دوات" داده شود که در زبان عربی گاهی بمعنی "قلمدان" فارسی نیز بکار رفته است. بعبارت دیگر به "مرکب دانتهائی" اطلاق می شده است که در آن "خامه دان" نیز تعبیه شده باشد (ش، ۱۸، ۱۹). و "محبره" بمعنی مرکب دان تنها می باشد.

چنانکه قلقشندی "دوات (قلمدان) را مادر تمام ابزار نوشتن دانسته و دوات (قلمدان) بدون محبره داخل آن را مانند مردی توصیف می کند که بدون اسلحه وارد میدان جنگ شود."

مقام و منصب دوات داری:

"دوات خانه" یا "دویت خانه" از دوره سامانیان و سپس غزنویان و سلجوقیان مرکزی بوده برای نگاهداری اسناد و مدارک دولتی (دبیرخانه)، و متصدی این دایره را "دوات دار" می نامیدند. بطور کلی وظیفه دوات دار تبلیغ رسائل از سلطان و ابلاغ عامه امور و تقدیم شکایات و اخذ امضای سلطان برای فرمانها و مناشیر بوده است. و دوات دار به دبیر و منشی حضور سلطان یا امیر اطلاق می شده است. (۳۶)

وجه و صورت سمبلیک "دوات" که علامت و نشانه رسمی "دوات خانه" و نیز دیوان رسایل و انشاء و مقام "وزیر کاتب" و "منشی حضور" در ایران بوده است، بنحو احسن و شایسته ای در روش حکومتی دیگر دولت های اسلامی نیز بکار می رود. همانطوریکه منصب مهم "الدواداریه" نیز بعنوان یکی از ارکان مهم دولت مملوکان مصر و سوریه در قرن هفتم و هشتم شناخته می شده است و عنوان "الدوادار" بمعنی کسی که نگاه دارنده دوات سلطان یا امیر بوده است صرفاً یک مقام تشریفاتی نبوده بلکه "دوات دار" لقب صاحب منصبی بوده که مقام او بلافاصله پس از سلطان و امرای طراز اول مملکتی قرار داشته است (ش ۲۵ - ب، ۲۱). قلقشندی (۳۷) جزئیات و وظایف "شغل دوات داری" را (که کاملاً منطبق با وظایف دوات دار در ایران و بتقلید از آن بوده است) در دستگاه حکومت مملوکان مصر بنقل از کتاب "مسالک الابصار" چنین شرح می دهد:

شغل "دوات داری" برای ابلاغ فرمانها و رسانیدن نامه ها از جانب سلطان است. از دیگر وظایف "دوات دار" بازگونی نمودن شرح وقایع اتفاقیه به سلطان و مشورت درباره افراد حامل نامه بدربار او می باشد و همچنین نوشتن فرمانها و مناشیر و توقیع ها و نامه های سری نیز جزء وظایف دوات دار بوده و تنظیم فرامینی که می بایست از جانب سلطان در مورد امور مختلفه مملکتی صادر شود نیز زیر نظر دوات دار انجام می گرفته است.

در صبح الاعشی (۳۸) به نقل از حسن بن وهب آمده که: "دوات می بایست متوسط اندازه باشد که حمل آن را دشوار نسازد. چون دوات دار ناچار است در مواقع ضروری آن را در حضور سلطان شخصاً حمل نماید" (ش ۲۵ - ب، پ).

وزیر دیگر عباسیان فضل بن سهل نیز به همین سبب اظهار داشته است که طول دوات باید بمقدار بزرگی یک ذراع (اندازه آرنج تا سرانگشت) باشد (ش ۲۱).

مهمترین شاهد مثال نقشی است بر روی طشت مفرغی (۳۹) از قرن هفتم که یکی از شاهکارهای هنر فلزکاری اسلامی است و اکنون در موزه لوور پاریس نگاهداری می شود. سازنده آن استاد مسلم فلزکاری در دوره اسلامی "محمد بن الزین" (ش ۲۵ - الف) می باشد

که امضای خود را در جایی که سزاوار بوده یعنی بر روی تخت و جام تشریفاتی که سلطان بدست دارد چهاربار تکرار نموده است (ش ۲۵ - ب - پ) .

این نقش‌ها که در داخل مدالیون در قسمت داخلی طشت تکرار شده‌اند مردی را که احتمالاً "یکی از امرای مملوکان می‌باشد در حال نشسته بر روی تخت نشان می‌دهد در حالیکه دونفر ملازم در دو طرف تخت او ایستاده‌اند که در دست شخص سمت چپ (امیر الجیوش) شمشیری است و نفر سمت راست (دو الدار) مرکب دانی را که بر روی آن نوشته شده است "دوات" بر روی دو دست نگاه داشته است .

این نقش که احتمالاً "آرم و نشانه" رسمی این حاکم می‌باشد تلویحاً "معنی السیف والقلم" را الغاء می‌کند که بمعنی حکومت داری بروش شمشیر و هم با قلم است . یکی دیگر از مدارک جالب و در عین حال تاریخی در مورد منصب "دوات داری" و آشنائی باحوال و خصوصیات شخص "دوات دار" دوات برنجی است (۴۰) (ش، ۱۶) که بنا بر مضمون کتیبه روی آن برای "اید میرالاشرفی" یکی از امرای معروف مملوکان مصر در نیمه اول قرن هشتم هجری ساخته شده است .

این کتیبه‌ها بخط ثلث بشیوه رایج زمان مملوکان نگارش شده که خصوصیت آن در کشیدگی حروف است که در بلند نشان دادنشان تاکید شده تا بشکل اشعه خورشید بنماید :

- ۱- کتیبه روی سطح افقی سرپوش (که در عکس دیده نمی‌شود) : "المقرالاشرف العالی الموسوی المالکی المخدومی العزی اید میرالاشرفی کافل الممل (ک) ة الشریفه بحلب المحروسه"
- ۲ - کتیبه بر روی لبه عمودی سرپوش دوات : "المقرالاشرف العالی الموسوی . الامیری الکبیری . العالمی العاملی العادلی المد (ب) ر . ی المشیری العونی الغیاشی"
- ۳ - کتیبه در قسمت حاشیه پائین بدنه دوات : "الکفیلی الظهیری الکافلی الکا . ملی الحامی النظامی القومی الما . لکی المخدومی العزی اید مرالا . شرفی کافل المملکتہ الشریفه بحلب المحروسه"

"اید میرالاشرفی" یکی از امرای معروف مملوکان دربار سلطان محمد قلاوون و سپس پسرش "آنوک" بوده و بسبب حسن تدبیر و رشادت در دوره حکومت "الملک الناصر حسن" ترقی یافت و بحکومت نواحی مهم از جمله تریپولی و حلب منصوب گردیده و مناصب عمده دیگری را نیز در قاهره عهده دار گشت تا عاقبت به مقام عالی "الدواداری" نائل آمد .

اید میرالاشرفی در سال (۷۷۶ هـ) در سن ۷۰ سالگی در قاهره درگذشت . از جمله کارهای خیر او وقف مدرسه‌ای است در تریپولی که بنام همسرش "خاتونیه" نامیده می‌شود . کتیبه این مدرسه سنه ۷۷۶ هـ را ۷۷۶ هجری تعیین می‌کند ، نشانه (آرم) رسمی حکومتی "اید میر" بر روی سردر مدرسه خاتونیه با اندک تفاوتی همان است که بر روی این دوات بصورت یک جام پایه دار و در پشت بدنه دوات بشکل یک دستمال سفره و جام نقش گردیده است . (۴۱)

این دوات از نظر هنرمندی استاد فلزکار، در ساخت و قالب‌گیری دقیق و طراحی ماهرانه نقوش تزئینی نباتی که بصورت شاخ و برگ‌های انبوه و درهم و حیواناتی چون شیر و آهو که در میان آن نمایان گردیده‌است و همچنین نگارش خط خوش روی آن نمونه‌ایست برجسته ولی اهمیت واقعی آن در محتوای تاریخی کتیبه و علامات رسمی و تشریفاتی روی آن است که رویهمرفته این دوات را بعنوان سمبل و نشانه رسمی مقام والای "دوات‌داری" در تمدن اسلامی مشخص و ممتاز نموده است.

مقام "دوات‌داری" بهمان روال سابق و سنتی تا دوره صفویه در ایران باقی می‌ماند و "دوات‌دار" همچنان بعنوان صاحب مقامی برجسته در میان درباریان و کارگزاران دیوانی شناخته می‌شود. بهترین مدرک موجود که وضعیت "دوات‌دار" را در دربار صفویان به وضوح روشن می‌سازد کتاب "دستور الملوک میرزا رفیعا" (۴۲) است که در عهد صفویان نگاشته شده است و در بیان شغل "مقرب الحضرة العلیه العالیه" دوات‌دار مهر مهربزرگ "چنین آمده‌است: "شغل او این بود که پروانجات و احکام و نشان و شجرات و غیرهم را بعد از آنکه از دفاتر می‌گذاشت و مقرب الخاقان منشی الممالک (که عهده‌دار دارالانشاء بود و نوابین او بیست و هشت نفر بودند و یک نفر منشی دیوان) طغرا می‌کشید بر کیسه گذاشته بمهر اقدس می‌داد و مشارالیه در سلک قورچیان می‌بود و در مجلس بهشت آئین بعد از قورچیان پیراق باتاج و طومار می‌ایستاد". همچنین در جای دیگر در بیان شغل "مقرب الحضرة العلیه العالیه" "دوات‌دار مهر انگشتر آفتاب اثر" چنین آمده است:

"شغل مشارالیه آنکه ارقام بالمشافهه و بیاضی و دفتری که از سرکار خاصه می‌گذشت و عالیجاه مجلس نویس طغرا می‌کشید و فضول هر کسی که به جواب می‌رسید، در کیسه گذاشته سر آن کیسه را خود مهر نموده به اندرون حرم می‌فرستاد که به مهر اقدس محلی گردد بعد از آنکه کیسه از مهر برمی‌آمد هر رقم و فضولی را به صاحبانش می‌رسانید و مشارالیه در سلک قورچیان ملازم و در مجالس باتاج و طومار در صف قورچیان پیراق پهلوی دوات‌دار مهربزرگ که قدیمی است می‌ایستاد".

"مرکب‌ساز" (مسرجه) و "مرکب‌سازی":

"ظرف مرکب‌سازی"، عبارت از شیء کوچک و ظریفی است که معمولاً آنرا از جنس فلزات محکم و مقاوم چون مفرغ می‌ساخته‌اند. بطور کلی فرم اصلی بدنه این "مرکب‌سازها" دارای خصوصیات ثابتی است منتهی دسته‌ها و لوله‌های آنها بنا بر ذوق سازندگانشان با اشکال مختلف تزئینی ساخته می‌شده‌اند (ش، ۲۳، ۲۴). این ظروف دارای بدنه گرد کاسه‌ای شکل

می باشند که قطر آن معمولا " از چهار سانتیمتر تجاوز نمی کند و اغلب بر روی سه پایه استوار هستند . این کاسه کوچک از یک طرف به یک دهانه لوله مانند باریک و بلند منتهی می شود که مخصوص ریختن مرکب بداخل مرکب دان می باشد . در سمت دیگر بدنه یعنی مقابل این لوله دسته ای تعبیه شده که آن نیز به نسبت اندازه بدنه اصلی بزرگ و در عین حال محکم ساخته شده است تا در هنگام عملکرد حفظ تعادل نموده هرگونه لغزش دست را خنثی کرده و موجب شود تا مرکب بدون ریزش داخل محفظه دوات گردد . در برخی از نمونه ها از جهت تزئین بیشتر دو سمت دیگر بدنه را نیز خالی نگذاشته و با دودسته کوچک دیگر آنرا مزین ساخته اند . لازم به توضیح است که این مرکب سازها چون شبیه به چراغ های روغن سوز بوده و نام عربی آن نیز " سرجه " از ریشه " سراج " به معنی چراغ می باشد لذا در برخی از فهرست اشیا موزه ها و مجموعه ها این شیء را بطور غلط " چراغ " معرفی نموده اند .

بهترین تعریف از چگونگی طرز عمل با این " مرکب سازها " در صیح الاعشی (۴۳) بنقل از کاتب معروف دربار خلفای عباسی " احمد بن یوسف " بعمل آمده است که طرز تهیه مرکب را که خود آنرا می ساخته است چنین شرح و توضیح می دهد :

" ابتدا باید انواع دانه های روغنی مخصوص را داخل " سرجه " ریخته و آنرا روی حرارت چراغ داغ کرد و سپس بر روی آن سرپوشی نهاد تا دانه ها بتوانند بخوبی روغن پس بدهند و پس از آن به این روغن آب " آس " (درخت موژد) اضافه نمود تا رنگ سیاه مرکب را مایل به سبز نماید و همچنین قدری صمغ عربی در آن ریخت تا همه اجزاء (روغن و آب) را بایکدیگر مزوج کند . "

البته ساختن مرکب مرغوب که روان و براق باشد و در سطح کاغذ منتشر نگردد ، خود هنری بوده که هر کاتبی به تهیه آن وارد نبوده است . و بطور کلی " مرکب سازی " خود پیشه ای عمده بوده و مرکب سازان محل کسب مستقلی داشته اند . اولین نوع مرکب که به مصری ها و چینی ها نسبت داده شده در حدود ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد اختراع شده است . این مرکب عبارت بوده از دوده که در آب حل شده باشد . و این رنگ سیاه بخوبی در مقابل عوامل مختلف جوی از قبیل گرمی و سردی و رطوبت هوا و نور مقاوم بوده بطوریکه نمونه های اولیه بخوبی حفظ گردیده و هنوز قابل خواندن می باشد . اصطلاح " دوده " بجای کلمه " مرکب " (۴۴) لاقل تا زمان سعدی مصطلح بوده چنانکه می فرماید :

" آتش به نی قلم در افتاد این دوده که می رود دُخان است "

این کلمه در اصل بنام " دوده مرکب " بوده اما بسبب پیشرفتی که بطور کلی در فن ساخت مرکب مرغوب بوجود آمده بود یعنی آنکه دوده را با انواع مواد مانند مازو ، زاج ، صمغ ، عسل و حتی گلاب (برای خوشبو نمودن آن) می آمیخته اند بصورت " دوده مرکب "

درآمده است اما بعدها در اثر کثرت استعمال "دوده" حذف و برای سهولت تلفظ آنرا "مرکب" گفته اند. در این بیت شرح ساختن مرکب بطور مختصر و مفید داده شده است:

"هم سنگ دوده زاج است، هم سنگ هر دو مازو
هم سنگ هر سه صمغ است آنگاه زور بازو"

و عمل هم زدن این ملقمه توسط میله‌های با سر برآمده از جنس فلز یا چوب انجام می‌گرفته که "دوات شور" یا "محرک" نامیده می‌شده است.

شرحی در احوال سازندگان دوات:

از نظر فلزکاران ایرانی "دوات" هم از لحاظ معنا و مفهوم خاص آن و هم از جهت افراد ممتاز و برجسته‌ای که آنها را مورد استفاده قرار می‌داده‌اند شیء برجسته و قابل اهمیت تلقی می‌شده است. بطوریکه استادان فلزکار ماهر و مجرب ایرانی دانسته و آگاهانه، و نه صرفاً از روی تفنن و سرگرمی بساختن و پرداختن هر چه زیبا تر و شکوهمندتر این ظروف همت گماشته‌اند و هر آنچه استعداد و ذوق و خلاقیت و مهارت و تجربه داشته‌اند یکجا در قالب این اشیاء کوچک و ظریف فروریخته‌اند تا بخلق شاهکار خود نائل آیند.

بررسی نمونه‌های در دسترس از انواع مختلف اشیاء فلزی تمدن اسلامی ما را به این نتیجه کلی رهنمون می‌سازد که ساخت انواع مختلف و متعدد دوات‌ها و قلمدانها اتفاقی و تفننی نبوده بلکه گذشته از میزان بالای تقاضای سفارش دهندگان و خریداران دوات، فلزکاران نیز با توجه و شناخت عمیقی که به احوال اجتماع زمان خود داشته‌اند پسان شاعری که شاه بیت خود را سروده باشد، مفهوم والای دین و دانش، فضل و کمال، هنر و هنرمندی و سیاستمداری و مملکت‌داری همراهم یکجا در هم آمیخته و از این مجموعه شیء واحدی ساخته‌اند که در عین خردی و کوچکی اندازه، مجموعه‌ای گردیده غنی و سرشار از خلاقیت سازندگانش.

بطور کلی قالب‌گیری ماهرانه این دوات‌ها و آرایش و تزئین آنها که با انواع فنون تزئینی و با خطوطی خوش و نقوش و طرح‌هایی بسزیا، گویا و خوش حالت، انجام گرفته است همگی وصف و بیانی است کامل و جامع از اجتماعی که این فلزگران در آن زیسته و بخلق هنر پرداخته‌اند.

دلیل این مدعا گذشته از جلوه و شکوهمندی هنر ساخت آن وجود امضای سازندگان بر روی این دوات‌ها است که بطور کلی نسبت وجود امضای فلزکاران اسلامی بر روی دوات‌ها و قلمدان‌ها از طرفی دیگر چون اطلاعات ما راجع به شرح احوال فلزکاران بسیار اندک است لذا این دواتها می‌توانند منبع اطلاعات ذی‌قیمتی برای بررسی و تحقیق هر چه بیشتر در مورد ایشان هنرمندان بشمار آیند.

بطور کلی مورخین و شرح حال نویسان اسلامی از هنرمندان فلزکار کمتر ذکری بمیان آورده و بیشتر اوقات بشرح احوال نقاشان و خوشنویسان پرداخته‌اند. این مطلب گاهی باعث شده تا این توهم پیش آید که شاید دلیل این امر نتیجه کم اهمیت بودن مقام اجتماعی استادان فلزگر در برابر دیگر هنرمندان بوده است. ولی خوشبختانه بررسی دقیق اشیا مختلف فلزین که حاوی امضای سازندگانش می باشد این شک بیمورد را کاملاً زایل نموده است. چون تحقیقی که تاکنون بر روی این امضاها انجام شده است این نتیجه کلی را بدست داده که از نظر اجتماعی استادان فلزکار ایرانی جز صنعتگران محسوب نگشته بلکه گروهی خاص در جامعه بوده اند که ذوق و سلیقه و نبوغ هنری را با مهارت در فن و حرفه درهم آمیخته و بعنوان افراد برجسته‌ای در جامعه معرفی شده در ردیف دیگر استادان هنرمند درآمده‌اند و گاهی نیز سرآمد اقران گشته‌اند.

نام‌ها و القاب و عناوین برخی از این استادان فلزگر نمایانگر این مدعا است که آنان هنرمندانی گمنام در کارگاه‌هایی ناشناخته نبوده‌اند و حتی گروهی از آنان هنرمندان غیر حرفه‌ای (آماتور) بوده‌اند که بنا بر ذوق و سلیقه و قریحه شخصی دست بکار فلزگری زده‌اند. یا برخی دیگر که از استادان مسلم صاحب مکتب در حرفه خود بوده و شاگردان بسیاری در مکتب خویش پرورش داده‌اند. اینان در پررونق‌ترین مراکز فلزکاری آنروزگار که شهرت و معروفیتش باقصی نقاط دنیای متمدن رسیده بود سرگرم بکار بودند و از هرسو سفارش‌های عمده‌ای برای ساخت انواع اشیا فلزی دریافت می نمودند.

در اینجا بذکر نام چندتن از این هنرمندان سازنده "دوات" های فلزی می پردازیم:

رتاب جامع علوم انسانی
* * *
*

۱- محمدالبیاع: یکی از فلزگران هنرمند دوره سلجوقی (قرن ششم هجری) است، که امضای او را بر روی یک دوات مفرغی (۴۵) ترصیع شده بانقره می‌توان دید. قبل از نام هنرمند کلمه "عمل" آورده شده که آوردن این کلمه قبل از نام هنرمند تأکیدی است بر آنکه عمل ساخت و تزئین شیء هردو توسط همین فلزکار بانجام رسیده است و در ضمن بانام صاحب شیء نیز اشتباه نمی‌شود.

در مورد کلمه "البیاع" و اینکه آیا این نام اصلی هنرمند است و یا احياناً "عنوان اوست لازم است در اینجا توضیح مختصری داده شود:

این برای نخستین بار نیست که به این نام در روی فلز دوره سلجوقیان بر می‌خوریم بلکه نمونه دیگر قلمدان مفرغی است که اکنون در موزه آرمیتاژ لنینگراد نگهداری می‌شود (۴۶) به امضای سازنده آن "عمر بن الفضل بن یوسف البیاع" می‌باشد. حال باید دید که آیا "البیاع" بصورت نام خانوادگی این هنرمندان بکار برده شده است یا در واقع عنوان و نسبت شغل و حرفه و پیشه‌ای بوده است که بدان شهرت داشته و موصوف بوده‌اند.

"بیاع" در زمان ساخت این فلزات یعنی قرن ششم هجری بمعنی دلال خرید و فروش بوده که در فارسی آنرا "داستار" می‌گویند.

در چندین منبع تاریخی قرن پنجم و ششم هجری نیز ذکر این شغل بمیان آمده است: از جمله در "قابوس‌نامه"، "سفرنامه ناصر خسرو" و "سیاست‌نامه" خواجه نظام الملک و غیره... و در قرن هفتم نیز توسط "ابن بلخی" در "فارس‌نامه" بهمین معنی بکار رفته است. بطور کلی در همگی این منابع و متون دارندگان این شغل چنین معرفی شده‌اند:

"بیاعان جزء صنف بازرگانان محسوب می‌شده و در چندین رشته تجارتهای دست داشته‌اند و از قشر نسبتاً بالای جامعه بوده‌ و از شهرت کافی برخوردار بوده‌اند، بنابراین می‌شود به این نتیجه رسید که احتمال دارد که "البیاع" در واقع نسبت شغل اصلی هنرمند بوده که در جامعه خود به آن اشتها داشته‌است، و در ضمن بصورت غیر حرفه‌ای (آماتور) بسازندگی اشیاء فلزی نیز سرگرم بوده است.

و باید در نظر داشت که هنر فلزکاری درق، ششم جزء رشته‌های اصلی و طراز اول هنری محسوب می‌شده و هنرمندان فلزکار نیز از اعتبار خاصی برخوردار بوده‌اند و بنابراین اشخاصی برجسته و صاحب ذوق و هنر می‌توانسته‌اند به فن فلزکاری دست یازند و به هنر خود مفتخر باشند.

۲- نوشیروان بن محمد: امضای این هنرمند فلزکار را نیز بر روی یک دوات مفرغی

هلالی شکل که مورخ به سنه ۶۰۰ هجری می‌باشد می‌توان دید.

این دوات در موزه هنرهای اسلامی قاهره "بشماره ۱۵۱۹۵" نگاهداری می‌شود. (۴۷)

همچنین یک دوات مفرغی دیگر نیز از همین سازنده ساخت مکتب خراسان در

مجموعه دموت (DEMOTTE) (۴۸) وجود دارد.

۳ - شاه‌ملک: یکی دیگر از سازندگان متبحر فلزکار ایرانی در اواخر قرن ششم می‌باشد که تاکنون دو دوات با امضای او بدست آمده است.

یکی از این دوات‌ها در مجموعه خصوصی بارون کارناپ "Baron Carnap" در قاهره نگهداری می‌شود. (۴۹) و نمونه دیگر که در مجموعه ارنست کوفلر "Ernest Kofler" در شهر لوسزن سوئیس است. (۵۰) دوات مفرغی می‌باشد که با نقره و مس ترصیع کاری شده است و در عین سادگی و ظرافت کمال استادی و مهارت هنرمند سازنده را نشان می‌دهد که با کمک نقش‌های ساده و در عین حال گویا و کتیبه‌های خوش خط حاوی جملات دئائی برای صاحبی که از نام او ذکری بمیان نیامده است با کمال افتخار نام خود را در بالاترین جار یعنی بر روی سطح افقی سرپوش دوات در داخل سه‌دایره مجزا بخط کوفی بیادگار گذاشته است که چنین خوانده می‌شود: "عمل شاه‌ملک" (ش، ۸ - الف، ب).

۴ - محمد بن ابی سهل السهروی: نام این هنرمند برجسته فلزکار ایرانی نیز تنها بر روی یک دوات مفرغی نقش بسته است که مانند اغلب نمونه‌های ذکر شده در مراکز فلزکاری شمال شرقی ایران در نیمه دوم قرن ششم هجری ساخته شده است. همانطوریکه از نام محل معلوم می‌گردد این هنرمند نیز منسوب به شهر "هرات" بوده که بعنوان یکی از مراکز عمده فلزکاری در ادوار مختلف اسلامی شناخته شده است. این دوات اکنون در گالری هنر والترزدر شهر بالتیمور آمریکا شماره "۵۴ - ۵۱۴" نگهداری می‌شود. (۵۱)

۵ - ناصر بن اسعد نیشابوری: امضای این استادکار نیشابوری که او نیز در عهد سلجوقیان (قرن ششم هجری) می‌زیسته است بر روی یک دوات مفرغی جاویدان باقی مانده است. این دوات اکنون در مجموعه خانم آدریانه میناسیان در نیویورک نگهداری می‌شود. (۵۲)

۶ - عبدالرزاق بن مسعود نیشابوری: نام این هنرمند فلزکار نیشابوری نیز بر روی دوات مشهور باقی است که هر دو نیز دوات مفرغی با تزئینات نقره‌کاری می‌باشند:

یکی از این دو دوات اکنون در موزه متروپولیتن نیویورک شماره "۴۸ - ۱۰۸" نگهداری می‌شود (۵۳). و دوات دیگر که بنا بر فرم خاص آن که شبیه به "تنگ" می‌باشد و اشتباهاً در اغلب منابع بهمین نام خوانده شده است اکنون در موزه استاتلین برلین موجود است. (۵۴)

۷ - میرک حسین یزدی: یکی از استادان مسلم فلزکار ایرانی می‌باشد که شاهکارهای هنری خود را در ساخت سه‌دوات بوجود آورده است و امضای او بر روی هر سه اثر باقی است. یکی از این دوات‌ها در موزه "بناکی" Benaki (۵۵) در شهر آتن موجود است و دو دیگر دوات هر دو در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن نگهداری می‌شوند.

یکی از این دو دوات (۵۶) (بشماره ۱۸۸۸ - ۴۵۴) دارای سنه ساخت مورخ ۹۰۲ هجری می باشد و قبل از نام هنرمند کلمه " عمل " نیز قید شده که تأکیدی است بر عمل سازندگی صاحب نام و بر روی کتیبه حاشیه بالای بدنه جمله دعائی " نادعلی " آمده است . و جالب اینجاست که مضمون ابیاتی که بر روی بدنه و بر روی سرپوش دوات نگاشته شده همگی در وصف دوات می باشد (ش ۱۷ - الف ، ب) :

تاقلنم توقیع سلطانسی ، نویسد زین دوات
از سیاه سی دم بدم ، بیرون دهد آب حیات
بگشای سردوات دولست ، پیش تو سرقلم نهاده
دشمن چودوات آن سیه دل ، تا کار جهان شود گشاده

نتیجه:

این مختصر گویای اهمیت واقعی دوات نیست و جای آن دارد که ارزش واقعی این اشیاء ظریف و کوچک ولی سرشار و غنی از میراث های تاریخی ایران اسلامی هر چه بیشتر شناسائی و ارزشیابی شود . و این دواتها که احتمالاً " در اینجا و آنجا در مجموعه های شخصی نگاهداری می شود از طرف صاحبانشان برای بررسی و شناسائی صحیح و دقیق علمی به صاحب نظران و خبرگان فن سپرده شود تا احیاناً " از روی آنها اطلاعات تاریخی بیشتری کسب گردد .

در اینجا لازم است تا از تمام " اربابان قلم " و دانشمندان و محققین طلب یاری نمایم تا نگارنده را که تنها از دریچه چشم یک باستان شناس برای این دوات ها نگریسته و آنها را مورد بررسی قرار داده است از راهنمایی های ذی قیمت خود محروم نساخته موجبی فراهم آورند تا این اولین قدم پی آمد گامهای بلند بعدی در راه شناخت هر چه بیشتر هنر و تمدن وسیع و بیکران ایران و سهم عظیم آن در تمدن اسلامی گردد .

" فهرست منابع "

شکل دواتهای دوره اسلامی :

- ۱ - شیخ ابی العباس احمد قلقشندی . صبح الاعشی ، (قاهره ۱۳۳۲)
جزء چهارم ، ص ۴۵۸ .
- ۲ - محمد بن هندوشاه نخجوانسی . دستورالکاتب فی تعیین المراتب .
(مسکو ۱۹۶۴ م) . جلد یکم ، جزء اول ، ص ۸۴ .
- ۳ - ابی الحسن الهلالی بن المحسن الصابی . رسوم دارالخلافة ، (تهران ۱۳۴۶) ،
ترجمه : شفیع کدکنی . ص ۴۹ .
- ۴ - رسوم دارالخلافة . ص ۴۹ .
- ۵ - رسوم دارالخلافة . ص ۴۸ .
- ۶ - ورقه‌ای طویل که درهم پیچیده می شود (طومار) .
- ۷ - ظرفی مخصوص نگاهداری گل رس برای مهر کردن نامه‌ها .
- ۸ - قطعه کوچک کاغذ یا نوار ابریشمی برای چسباندن بدور طومارها .
- ۹ - " گل مهر " برای پوشاندن مهر خلیفه یا سلطان بر روی نامه‌ها .
- ۱۰ - صبح الاعشی . ج ۴ . ص ۴۳۵ .
- ۱۱ - هندوشاه بن سنجر بن عبدالله صاحبی نخجوانی . تجارب السلف ،
در تاریخ خلفا و وزرای ایشان . (تهران ۱۳۱۳) ، تصحیح عباس اقبال . ص ۲۳۴ .

دوات در قرآن و روایات و اهمیت آن از لحاظ اسلامی :

- ۱۲ - سوره ۶۸ ، " القلم " ، آیه ۲ . قرآن مجید .
 - ۱۳ - کشف الاسرار وعده الابرار . معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری ،
تالیف : رشیدالدین میبدی ، ج ۱۰ ، ص ۱۸۱ .
 - ۱۴ - تفسیر ابوالفتوح رازی . ج ۱۰ ، ص ۹۲ .
 - ۱۵ - کشف الاسرار . ج ۱۰ ، ص ۱۸۶ .
- * در اینجا لازم است از استاد ارجمند آقای دکتر حسین بحر العلومی که توجه مرا
به این کتاب معطوف داشته و در ترجمه متن عربی آن کمک فرموده‌اند قدر دانی و تشکر نمایم .

۱۶- ۱۷- ۱۸- همان مأخذ .

۱۹- شیخ ابی العباس احمد قلقشندی . صبح الاعشی . ج ۴ . باب دوم . ص ۳۱-۴۳۰ .

۲۰- همان مأخذ

۲۱- دیوان خلاق المعانی کمال الدین اسمعیل اصفهانی . تصحیح :

دکتر حسین بحر العلومی . (تهران ۱۳۴۸) . ص ۳۱۶-۳۱۹ .

نقش دوات از لحاظ تاریخی :

۲۲- ابوعلی حسن بن علی خواجه نظام الملک . سیاست نامه . (تهران ۱۳۳۴)

فصل ۴۱ . ص ۱۵۲ .

۲۳- ابن الاثیر . الكامل التاریخ . (لیدن ۱۸۶۴ م) . ج ۱۰ . ص ۱۳۸ .

۲۴- عباس اقبال آشتیانی . وزارت در عهد سلاطین سلجوقی . (تهران ۱۳۳۸) ص ۲۹ .

۲۵- وزارت در عهد سلاطین سلجوقی . ص ۳۱-۳۰ .

۲۶- محمد بن هندو شاه نخجوانی . دستورالکاتب فی تعیین المراتب .

(مسکو ۱۹۶۴) . جلد ۱ . جزء اول . ص ۶۵ .

۲۷- هندو شاه بن سنجر بن عبدالله صاحبی نخجوانی . تجارب السلف ، در تواریخ

خلفا و وزرای ایشان . (تهران ۱۳۱۳) . تصحیح عباس اقبال . ص ۱۸۱ .

۲۸- Sammlung E. und M. Kofler-Truniger, Luzern,

Kunsthaus Zurich, (Aug. 1964), P. 109. No. 1030.

۲۹- E. Bear, "An Islamic Inkwell in the Metropolitan-

Museum of Art", PP. 200-201.

۳۰- دستورالکاتب . ج ۱ . جز اول . ص ۸۲ .

۳۱- ابوعلی حسن بن علی خواجه نظام الملک . سیاست نامه . (تهران ۱۳۳۴) ،

فصل نهم . ص ۶۶ .

۳۲- وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی . ص ۳۳-۳۱ .

۳۳- تجارب السلف . ص ۲۷۹ .

۳۴- همان مأخذ . ص ۲۸۰ .

۳۵- صبح الاعشی . ج ۲۰ . ص ۳۳۰-۴۳۰ .

۳۶- عبد الوهاب تاج الدین سبکی ، معید النعم و مبیذ النقم ، (قاهره ۱۹۴۸ م) ، ص ۲۵ .

۳۷- قلقشندی . صبح الاعشی . جزء چهارم . ص ۱۹ .

۳۸- همان ماءخذ . ج ۰۴ . ص ۴۳۲ .

D.S.Rice, The Blazons of the Baptistere de Saint louis", Studies in Islamic Metal work, Bulletin of School of Oriental and African Studies, V. - ۳۹

D.S. Rice, "Studies in Islamic Metalwork" - ۴۰
IV, Bosoas.

L.A.Mayer, Saracenic Heraldry, (Oxford 1933) - ۴۱
P. 85.

۴۲- دستور الملوك ميرزا رفيعا و تذکره الملوك ميرزا اسميعا . بکوشش : محمدتقی دانش پزوه ،
مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی . (سال ۱۶) . شماره ۰۵ . ص ۱۰۳ - ۱۰۲ .

ظرف مرکب ساز :

۴۳- صبح الاعشی . ج ۰۴ . ص ۴۳۵ .

۴۴- لغت نامه دهخدا .

45- M.Dimand, "Near eastern metalwork", in, Bulletin, The metropolitan museum of art, New.york, (1936) P.36.

46- L.T. Giuzallian, "The bronze pen-case of 1148" in Hermitage museum, Art orientalis, vol.

47- R. Harari, "Metal work after the early islamic periodc" A survey of perstan Art (1939), Vol.III, PP, 2491-2527.

48- R. Harari, Survey., (1939), Vol.III, P.2528, Vol.VI
PP. 1305.

49- Mayer, Roll of metal workers and their works, (PP.83-2).

شرحی در احوال سازندگان دوات :

- 50- R. Ettinghausen, "bobrinski kettle, patron and style of islamic bronz," gazette des beaux-arts, (1943), Vol. XXIV, P. 202.
- 51- R. Ettighausen, "Bobrinski kattle, Gazette des Beauxarts, (1943), P.196, .
- 52- Agâ-Oglû "A preliminary note on two artists from nis_hâpûr "Bulletin Iranian Institute, new york (1946), Vol.6, P.123 Fig. 3f.
- 53- Agâ Oglû, A preliminary note, "Bulletin iraninan institute (Dec. 1946). P. 122 Fig. 1f.
- 54- R. Harari, "Survey" (1939) Vol.III.2528, 1311 E.
- 55- Guide of the Benaki museum, (1936), P.72 No 15.
- 56- Mayer, Roll of metalworkers. Pl. IX.

فهرست تصاویر

- ۱- (الف - ب - پ - ت - ث) ، دوات مفرغی با ترصیع نقره (قرن ششم هجری)
متعلق به مجموعه ارنست کوفلر (E. Kofler) در شهر لوسرن سوئیس .
- ۲ - " تهمورث و منشی او " شرح جزئیات مینیاتوری از کتاب " جامع التواریخ "
تالیف : خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی (۷۱۴ - ۷۰۷ هجری) متعلق به کتابخانه
دانشگاه ادینبورو (اسکاتلند) .
- ۳ ، ۴ - صفحه‌ای از کتاب " التریاق " (قرن ششم هجری) ترجمه عربی از متن
یونانی بنام Antidotes (پادزهر) نوشته طبیب معروف یونانی گالین (Galien) .
این کتاب اکنون در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود .
- ۵ - دوات مفرغی . با ترصیع نقره و مس (قرن ششم هجری) از نیشابور با ارتفاع
۱۰/۵ سانتیمتر و قطر پایه ۸ سانتی‌متر . دارای دو کتیبه بخط نسخ و یک کتیبه بخط کوفی
متضمن دعا که چنین خوانده می‌شود :
خط کوفی : العز والاقبال والدولة والسعادة والسلامة والرحمة والبقاء لصاحبه .
خط نسخ : " العز والاقبال . الدولة والسعادة . والسلامة لصاحبه " .
متعلق به مجموعه ۶ جزایری .
- ۶ - دوات مفرغی . نقره کوب ، (اوایل قرن ششم هجری) از نیشابور بوزن ۶۲۵ گرم .
به ارتفاع ۱۰/۵ سانتی‌متر و قطر ۸ سانتی‌متر مجموعاً " دارای چهار کتیبه : سه کتیبه بخط نسخ
و یک کتیبه بخط کوفی که همگی متضمن ادعیه متداول در روی فلزات دوره سلجوقی می‌باشد .
متعلق به موزه ایران باستان . تهران (شماره ۶ ۳۳۶۱ - ۳۶۱) .
- ۷ - دوات مفرغی . ترصیع بانقره و مس ، (نیمه دوم قرن ششم هجری) از خراسان .
ارتفاع ۱۰/۵ سانتیمتر . قطر پایه ۸ سانتیمتر دارای دو کتیبه بخط " نسخ با سر انسانی "
و یک کتیبه بخط کوفی متضمن دعا برای صاحب دوات . متعلق به موزه " رضا عباسی " تهران .
- ۸ - (الف ، ب) . دوات مفرغی . کننده کاری و ترصیع بانقره و مس (قرن ششم هجری)
ارتفاع ۱۰ سانتی‌متر ، با امضای سازنده آن " عمل شاه ملک " که روی درپوش در داخل سه مدالیون
بطور جداگانه نوشته شده است .
- متعلق به مجموعه ارنست کوفلر (Ernest , Kofler) در سوئیس .

- ۹ - دوات برنجی . باترصیع نقره . (اواخر قرن ششم هجری) شکل باندازه طبیعی . ارتفاع ۱۴/۶ سانتیمتر ، قطر ۱۱/۴ سانتیمتر . ساخته شده در مراکز فلزکاری غرب ایران . متعلق به موزه هنرهای متروپولیتن (شماره ۲ - ۶۹ - ۵۹) در نیویورک . سه حلقه متحرک در روی بدنه و سه حلقه ثابت در روی درپوش برای بستن ریسمان می باشد . بدنه بر روی سه پایه بادامی شکل کوچک قرار گرفته است . نقوش اصلی روی بدنه اختصاص به نقش برج های فلکی دارد که هر یک داخل ترنجی هائی واقع شده اند . دیگر تزئینات حاشه های باریک محتوی حیوانات شکاری می باشد . دو کتیبه بخط " نسخ باسر انسانی " یکی در روی درپوش و دیگری در روی سطح داخلی حاشیه دور مرکب دان واقع شده اند . عبارات دعائی چنین خوانده می شود :
- " العزوالاقبال والدولة والعمراالسالم والجاه . العزالدائم والاقبال الزاید " .
- ۱۰ - دوات مفرغی . باترصیع نقره و مس (قرن ششم هجری) ساخت خراسان . ارتفاع ۱۲/۵ سانتیمتر . از نوع دوات های رومیزی بشکل تنگ با بدنه (نی شکل) دارای ۱۲ ترک . متعلق به موزه هنر شیکاگو در آمریکا .
- ۱۱ - دوات مفرغی . باترصیع نقره و مس (قرن ششم هجری) ساخت خراسان . ارتفاع ۱۳/۲ سانتیمتر ، قطر دهانه ۱۰/۵ سانتیمتر بوزن ۱/۲۲۵ گرم با بدنه ترک دار (۹ ضلعی) که در قسمت پایه بصورت چهار ضلعی درآمده است . بدنه بر روی یک پایه کوتاه حلقوی استوار می باشد . کتیبه ها بخط نسخ حاوی ادعیه متداول فلزات دوره سلجوقی . درپوش دوات بشکل هلالی است که توسط دو لولا در قسمت فوقانی به بدنه متصل می شود . و در قسمت جلو با چفت و بست به بدنه متصل می گردد . متعلق به موزه ایران باستان (شماره ۳۵۲۸) تهران .
- ۱۲ - دوات برنجی . باترصیع طلا و نقره (اوایل قرن هفتم هجری) . ساخت موصل . به اندازه های (۵۰۲ × ۵۰۸ × ۱۱ سانتیمتر) . این دوات از نوع دوات های هلالی شکل مخصوص بستن به کمربند می باشد . در قسمت بالا درپوش قرار دارد که از عقب بوسیله دو لولا به لبه بدنه دوات متصل می گردد و از جلو توسط یک زبانه به بدنه قفل می شود . دارای دو کتیبه بخط نسخ است : یکی متضمن دعا برای صاحب آن که چنین خوانده می شود :
- " العزوالاقبال والبقا لصاحبه " که در روی سرپوش و در کنار نقش یک مرد نشسته تصویر شده که احتمالا " شخص صاحب دوات است .

کتیبه^۶ دیگر دور تا دور سطح میانی بدن را فرا گرفته و متضمن القاب یک سلطان است باین شرح:
 " عز لمولانا السلطان الملك العالم العادل المؤمن المنصور المجاهد الغازی
 فی سبیل الله عز و نصره " .

این دوات سابقاً " در مجموعه کوفلر در سوئیس نگاهداری می شد ولی اکنون متعلق
 به مجموعه کایر (Keir) در انگلستان است .

۱۳ - دوات برنجی . با ترصیع طلا و نقره . (قرن هفتم هجری) ساخت موصل .
 ارتفاع ۱۵/۲ سانتی متر . نام صاحب دوات بر روی حاشیه دور سرپوش چنین
 خوانده می شود :

" الملك الرحیم الغالب العادل بدرالدین والدین لوءء " که نام و القاب
 " بدرالدین لوءء " از اتابکان مشهور موصل (۶۵۷ - ۶۳۱ ه . ق) می باشد .
 متعلق به موزه بریتانیا در لندن .

۱۴ - (الف ، ب) . دوات برنجی ، با ترصیع طلا و نقره (قرن هفتم هجری)
 ساخت موصل . ارتفاع ۹ سانتی متر . درپوش دارای یک زبان است که آنرا از جلو به بدنه قفل
 می کند و یک لولا که آنرا به بدنه متصل می سازد و دو کتیبه بخط نسخ و ثلث .
 متعلق به مجموعه دموت " Demotte " .

۱۵ - دوات برنجی . با ترصیع نقره و طلا (قرن هشتم هجری) ساخت مصر یا سوریه .
 ارتفاع ۹/۸ سانتی متر .

کتیبه بخط ثلث و به شیوه^۶ متداول دوره^۶ مملوکان مصر بنام " شعبان " که احتمالاً نام
 یکی از ممالیک بحری مصر (۷۴۶ ه .) سیف الدین شعبان کامل یا (۷۶۴ ه .)
 ناصرالدین شعبان اشرف می باشد . (متعلق به موزه^۶ بریتانیا در لندن) .

۱۶ - دوات برنجی . با ترصیع نقره و طلا (قرن هشتم هجری) ارتفاع با سرپوش
 ۱۷ سانتی متر و بدون سرپوش ۱۲ سانتی متر . قطر پایه ۱۵/۵ سانتی متر . کتیبه بخط ثلث .
 بشیوه متداول دوره مملوکان مصر . حاوی نام والی القاب . " اید میرالاشرفی " حاکم مملوک مصر در سوریه .
 علائم و نشانه های رسمی این امیر بشکل " جام و پرچم " در داخل مدالیون ها
 نشان داده شده است .

متعلق به موزه لوور در پاریس .

۱۷ - (الف ، ب) . دوات مفرغی . با ترصیع نقره . مورخ به سنه ۹۰۲ هجری
 بهامضای " میرک حسین یزدی " می باشد . قطر پایه ۴/۷ و ارتفاع ۸ سانتی متر .

چهار بیت که مضمون آن در وصف دوات است بصورت حاشیه دور تا دور

سطح پائین بدنه^۶ دوات را فرا گرفته است و دو بهیت دیگر باز در توصیف دوات بررروی قسمت میانی سطح گنبدی شکل سرپوش قرار دارد. در دو کتیبه^۶ وسط بدنه نوشته شده:

سعادت قرین باد و دولت رفیق.

متعلق به موزه^۶ ویکتوریا و آلبرت لندن

L.A. MAYER, "THE METAL-WORKERS AND THEIR WORK", PL. IX (1959).
عکس از کتاب:

۱۸ - قلمدان برنجی مثلثی شکل با ترصیع طلا و نقره (قرن هفتم هجری) به طول ۲۵ سانتیمتر دارای دو محفظه مخصوص مرکب. یکی سرپوش دارد و دیگری سرپوشش از بین رفته است. متعلق به گالری هنر والترز در بالتیمور آمریکا.

۱۹ - قلمدان مفرغی. با ترصیع نقره و مس (قرن هفتم هجری) ساخت موصل. به طول ۳۶۰۸ سانتیمتر. کتیبه خط نسخ متضمن کلماتی در مدح و ستایش اهل قلم می باشد. قسمت داخلی قلمدان به چهار قسمت تقسیم شده که قسمت وسیع تر اختصاص به "خامه دان" دارد و سه محفظه^۶ در دار قسمت دیگر را اشغال کرده اند:

محفظة بزرگتر مستطیلی شکل و محل نگاهداری "مرکب خشک کن" و دو محفظه کوچک مدور شکل مرکب دان است.

این قلمدان متعلق به موزه بریتانیا در لندن می باشد.

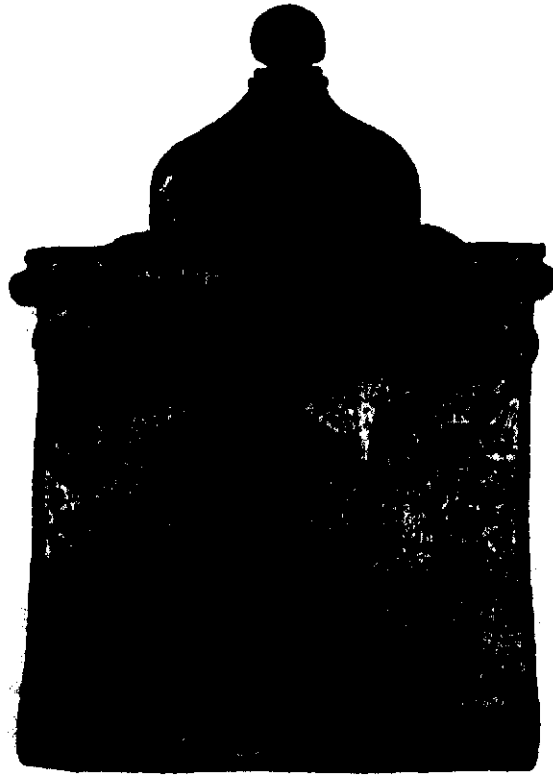
۲۰ - (الف - ب - پ) طشت مفرغی. معروف به "طشت غسل تعمید لوئی مقدس" BAPTISTERE DE SAINT LOUIS (قرن هفتم هجری) به قطر دهانه چهل سانتیمتر به امضای "محمد بن الزین" که این نام چهار بار در داخل دو مدالیون در قسمت داخلی طشت (یکی بررروی تخت و دیگری بررروی جامی که سلطان بدست دارد) تکرار شده است. و بررروی دواتی که در داخل همین مدالیون ها شخص "دوات دار" بدست دارد نام "دوات" نوشته شده است. این طشت اکنون در موزه لوور Louvre پاریس نگاهداری می شود.

۲۱ - عکس قسمتی از یک دوات برنجی را بانقش مردی که احتمالاً "هنرمند سازنده آن است نشان می دهد. این شخص دواتی با سرپوش گنبدی شکل بررروی دست نگاهداشته است که بررروی بدنه آن نوشته شده "عمل علی بن حمود" این دوات دارای سنه ۶۵۷ هجری است. امضای علی ابن حمود همراه بالقب "النفاش الموصلی" تاکنون بررروی دواتر فلزی دیگر نیز دیده شده است.

این دوات اکنون در موزه ملی فلورانس (شماره ۳۶۰) در ایتالیا نگاهداری می شود. اقتباس عکس از کتاب:

MAYER, "METALWORKERS AND THEIR WORKS", PL. III.

- ۲۲ - " لهراسب در بلخ " مینیاتوری به سبک مکتب ایلخانی از جامع التواریخ
تالیف: خواجهرشیدالدین فضل‌الله‌همدانی (۷۱۴ - ۷۰۷ هـ) متعلق به کتابخانه دانشگاه
ادینبورو (اسکاتلند) .
- ۲۳ - جامرکب‌سازی " مسرجه " مفرغی . بشکل پرنده با سر انسانی . مورخ به‌سنه
۶۰۰ هجری . ساخت خراسان .
متعلق به موزه بریتانیا در لندن .
- ۲۴ - جامرکب‌سازی مفرغی . باتزیئینات کنده‌کاری شده . ساخت خراسان .
متعلق به موزه ایران باستان . تهران .
- ۲۵ - برج مقبره‌ای در دامغان معروف به " پیر علمدار " مورخ به‌سنه ۴۱۸ هجری .
- ۲۶ - برج مقبره‌ای در بسطام (مورخ به‌سنه ۷۱۳ هجری) .
- ۲۷ - امامزاده جعفر در اصفهان (مورخ به‌سنه ۷۴۲ هجری) .
- ۲۸ - گنبد مسجد جامع گلپایگان . دروه سلجوقی (۵۱۲ - ۴۹۸ هجری) .
- ۲۹ - دوات مفرغی . باترصیح نقره و مس ، دوره سلجوقی .
متعلق به مجموعه کایسر (Keir) در انگلیس .



۱- الف . دوات مفرقی رسلجوتی . در مجموع سه کوفله .



۱- ب . شخص در حالیکه دوات را بدست گرفته .
۱- پ . شخص در حالیکه ابزار تخریب بدست دارد .
۱- ت . محور در حال نوشتن با قلم بر روی کاغذ .



۱- ح . نام صاحب دوات بر روی سرپوش .



۲- میناتور از جامع التواریخ (۷۱۴-۷۰۷ هـ.ق)

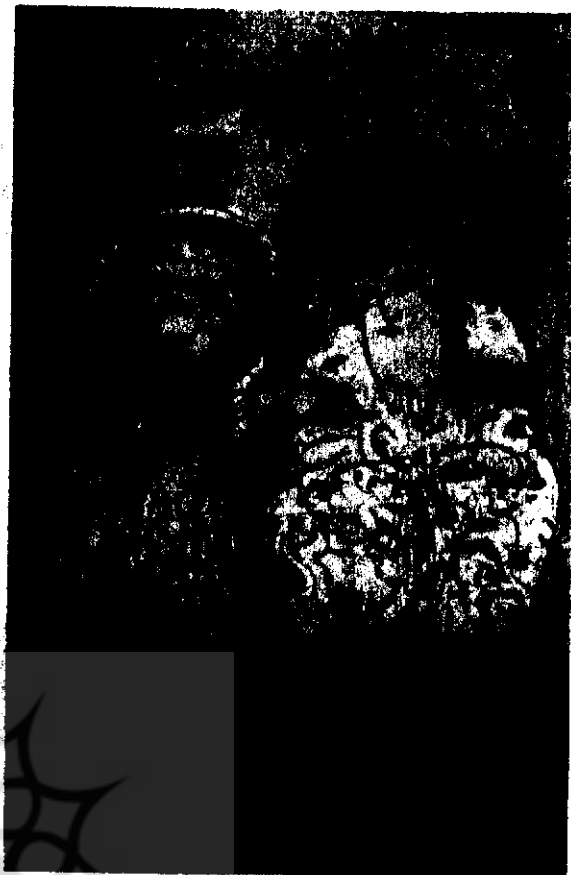


فهرستی

پرتال جامع علوم انسانی



۳- صفحه‌های از کتاب التریاق (قرن ۶ هـ.)



۴- بزرگ شده جزئیات قسمتی از شکل ۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۶- دوات مغربی با ترصیع نقره (سلجوقی) موزهایران باستان

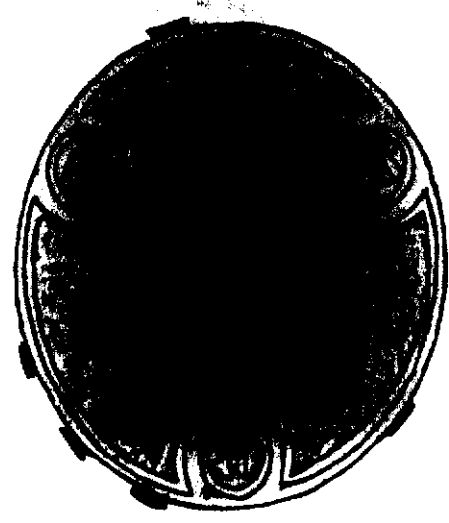


۵- دوات مغربی با ترصیع نقره موس (قرن ۶۰ هـ.) مجموعه مجازی



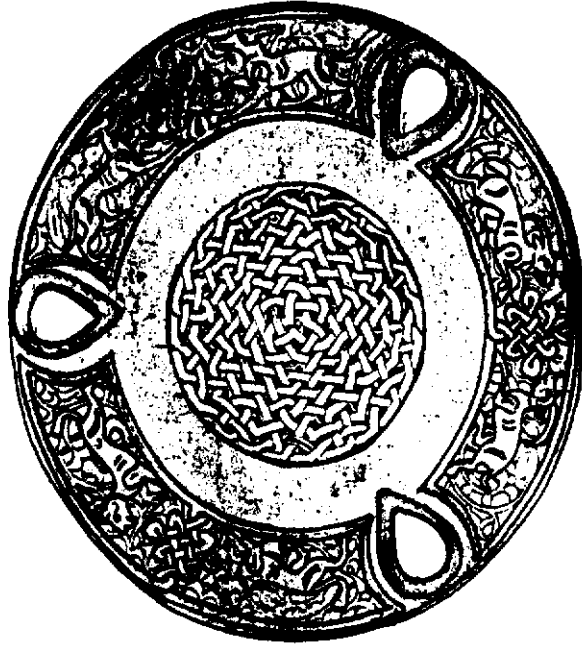
۷- دوات مفرغی با ترصیع نقره موس (سلحوقی) موزه رضا عباسی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۸- الف : دوات مفرغی با ترصیع نقره موس (ق ۰۶ هـ .) مجموعه کوفلر

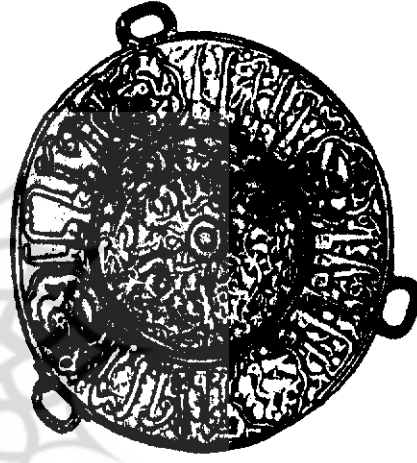
۸- ب : سرپوش دوات با امضای ... عمل شاه ملک



۹-۳ : سطح زعفران بدنه دوات با سه پایه با این شکل.



۹-۴ : بنمای داخلی دوات

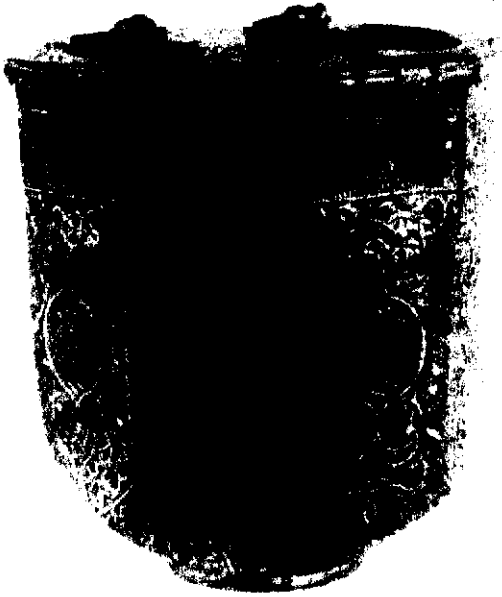


۹-۵ : سرپوش دوات



۹-الف : دوات سرجی یا ترصیع نقره (اواخر قرن ۶ هـ) موزه هنرهای ملی، سردیولیس، نیویورک

پرونده علوم انسانی و مطالعات
رتال جامع علوم انسانی



۱۰- دوات مغربی رومی با ترصیع نقره و مس بدنه نی ای مشکل موسسه هنر شیکاگو ۱۱- دوات مغربی با ترصیع نقره و مس بدنه "ترک دار" (موز فایران باستان)



۱۲- دوات برنجی با ترصیع طلا و نقره (قرن ۷-۵ ه. ق) مخصوص ستن به کمر . مجموعه "کابیر" در انگلیس

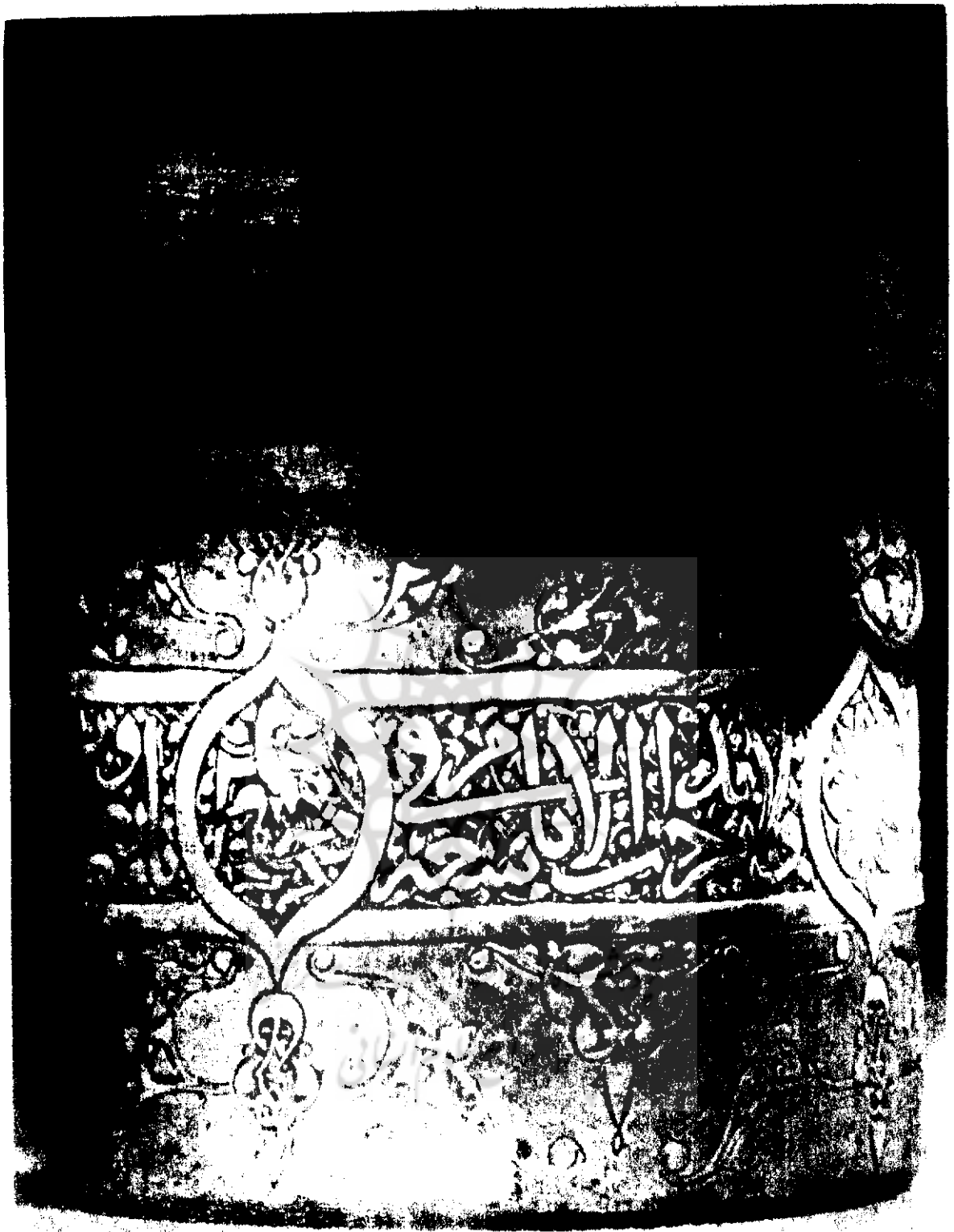




۱۳- دوات برنجی با ترصیح طلا و نقره (قرن ۱۰ هـ) "با نام اناک بدرالدین لولو" (موزه بریتانیا)



۱۴- الف . دوات برنجی با ترصیح طلا و نقره (قرن ۱۰ هـ) . مکتب موصل مجموعه مد موت
 دوات با در باز در حالیکه لولا آنرا به بدنه متصل نگاهداشته است



۱۵- دوات برنجی با ترصیع طلا و نقره (قرن ۸ هـ.) از دوره مملوکان (موزه بریتانیا)



۱۶- دوات برنجی با ترصیع نقره موطلا (قرن ۸، ۱۰ هـ، ۱ بنام "اید میرالاشرفی" موزه لودر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



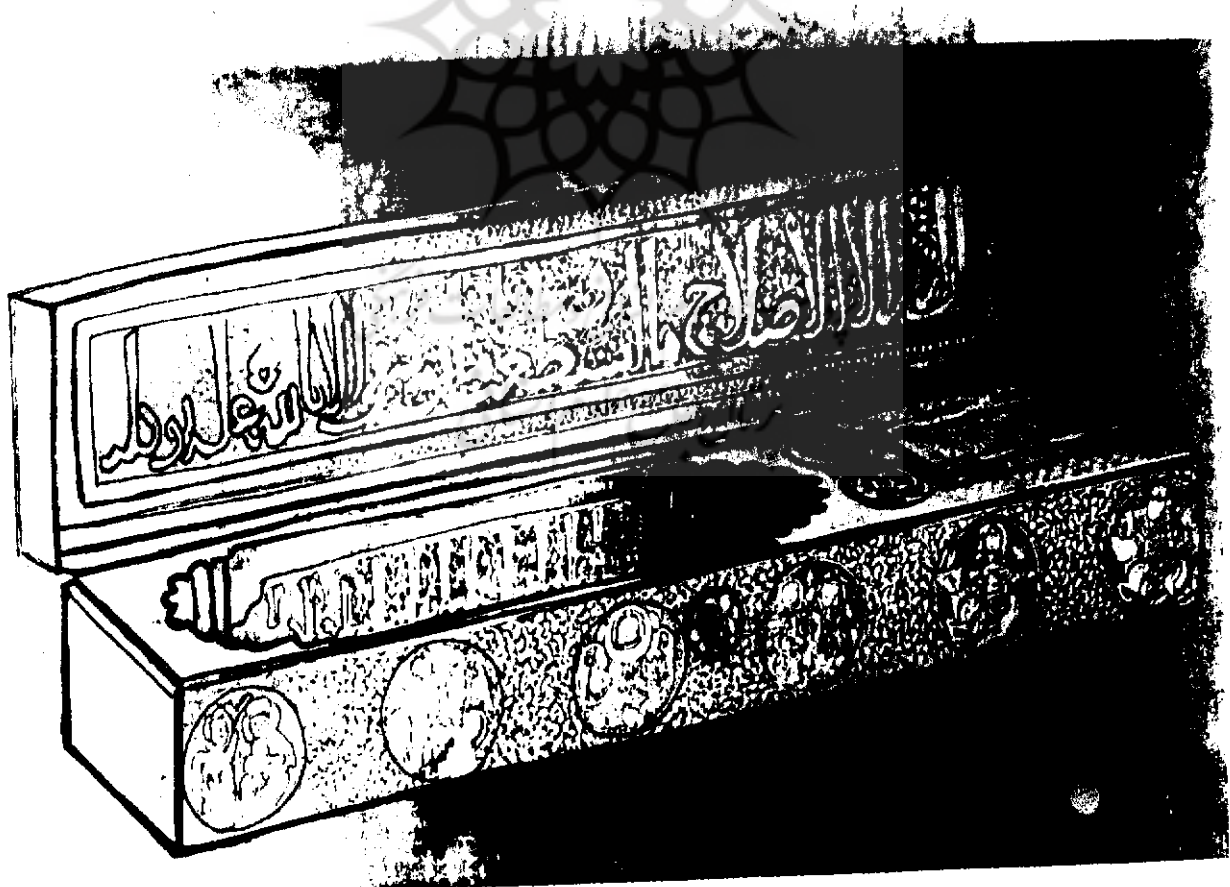
۱۷- الف. دوات برنجی با ترصیع نقره دست ۹۵۲. موزه ویکتوریا و آلبرت لندن



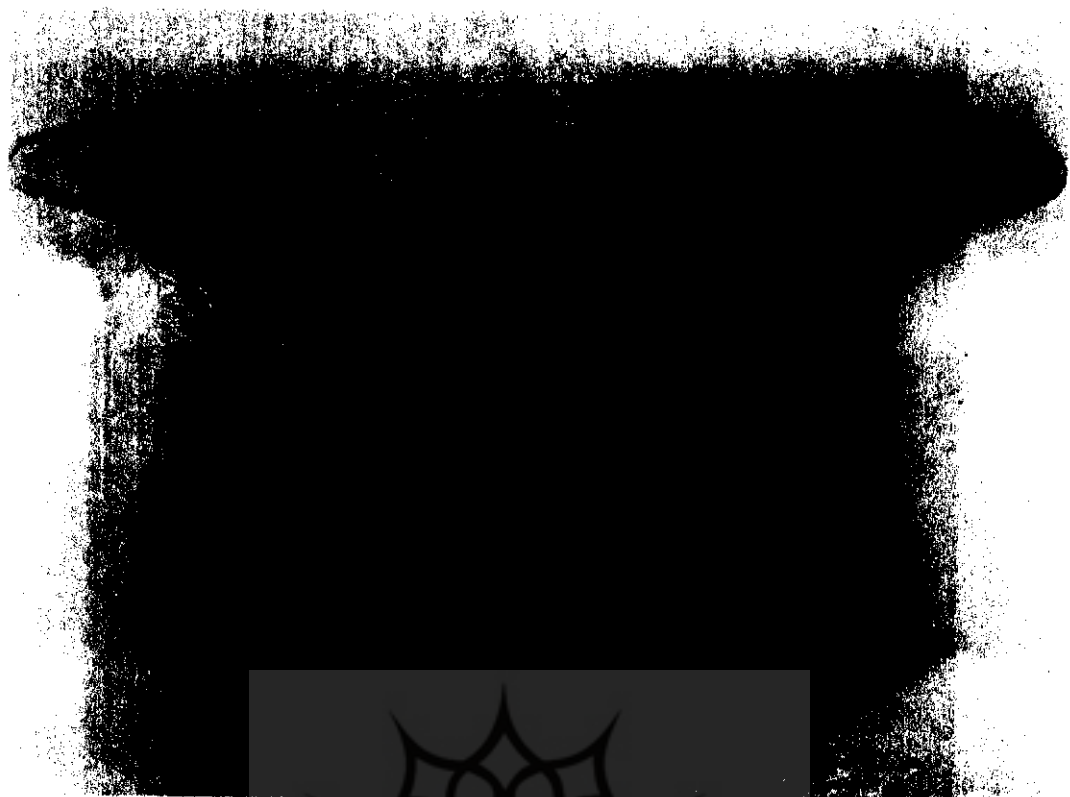
۱۷- ب. امضای سازنده. عمل میرک حسین یزدی



۱۸- قلمدان برنجی با ترصیع طلا و نقره (قرن ۱۵۰۷ ه. کالری هنر والترز (بالستمبر) آمریکا



۱۹- قلمدان با مرکب دان مفرغی با ترصیع نقره و مس (قرن ۱۵۰۷ ه. مکتب موصل موزه بریتانیا



۲۰- سالف : طشت مفرقی با ترصیع نقره و طلا (قرن ۲-۱۰ هـ) موزه لوور پاریس



۲۰- پ : مدالینون داخل طشت شبیه به اولی



۲۰- ب : مدالینون داخل طشت امضای سازنده محمد بن الدین که دو بار تکرار شده و کلمه دوات بر روی مرکب دان



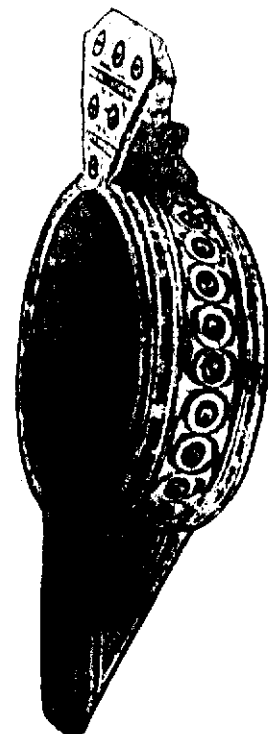
۲۱- خزنیات نقش یکدوات برنجی با مضای "عمل علی ابن حمود" (موزه ملی فلورانس)



۲۲- "مہنہاتور از جامع التواریخ رشیدی" (۱۷۰۷ء).

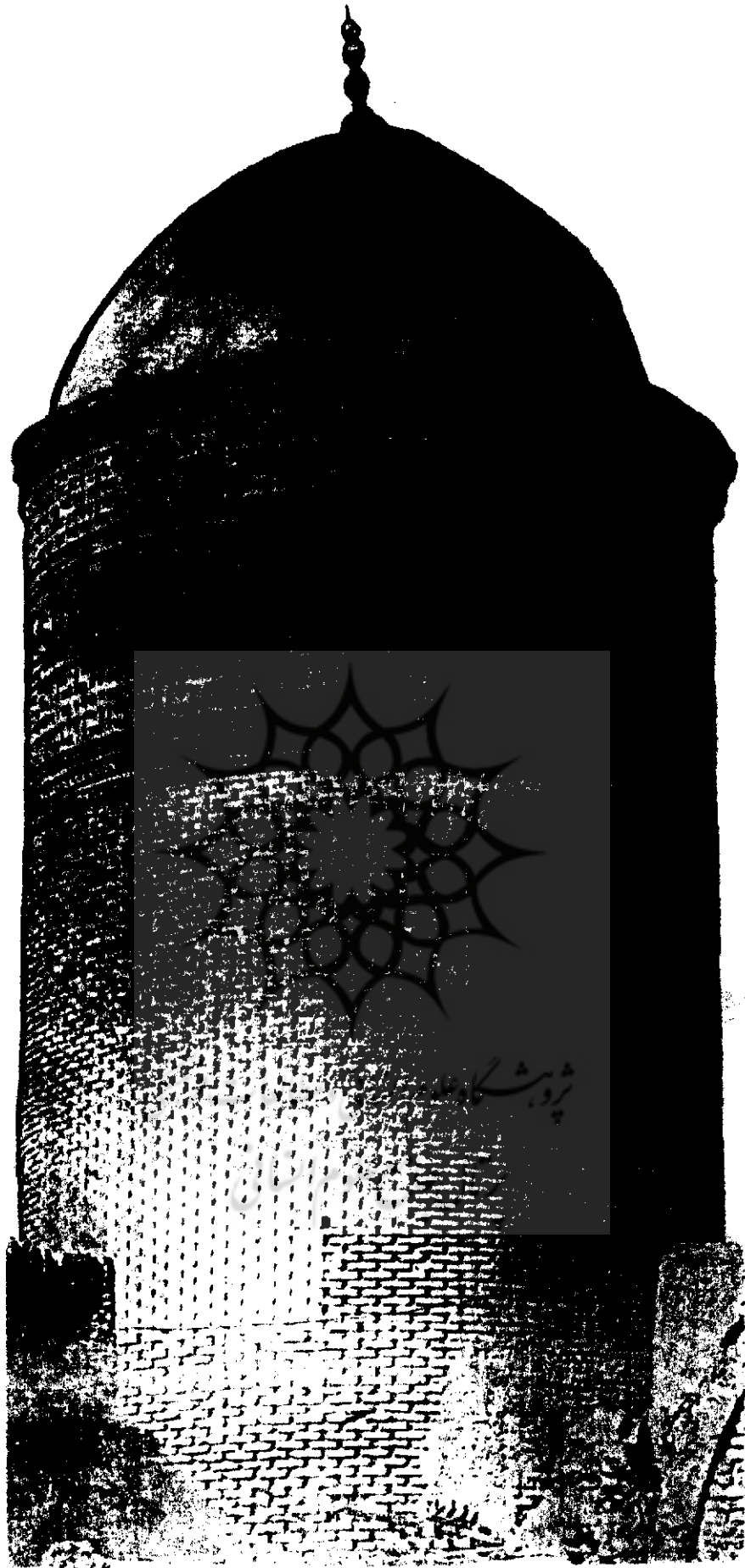


۲۳- جام مرکب سازی مفرغی شکل پرندہ (موزہ بریتانیا)



۲۴- جام مرکب سازی مفرغی (موزہ ایران باستان)

پرویشکاه علوم انسانی و مطالعات
پرتال جامع علوم انسانی



۲۵ - برج مقبره‌ای در دامغان، معروف به "برج علمدار"



پروژه‌های پژوهشی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران - امیرکبیر

۲۸ - مجله علمی - پژوهشی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی